



مدرسان شریف

فصل اول

«شناخت‌های پایه‌ای»

مقدمه

حقوق اساسی به عنوان فلسفه‌ی سیاسی حقوق، در پی این است که از طریق بررسی نهادهای سیاسی به شیوه‌های حقوقی، حقوق و آزادی‌های فردی و عمومی را تضمین، قدرت را تنظیم و نهادهای سیاسی را در قالب و چارچوب حقوقی تبیین نماید. در این فصل سعی می‌شود ابتدا مفاهیم پایه‌ای و مبنایی حقوق اساسی تحت عنوان‌هایی نظیر تعریف حقوق اساسی، جایگاه آن در تقسیم‌بندی‌های مرسوم دانش حقوق، موضوع حقوق اساسی و منابع آن مورد تحلیل قرار گیرد. در پایان نیز به قانون اساسی به عنوان مهمترین منبع حقوق اساسی پرداخته می‌شود. در مجموع مطالب این فصل در چهار بخش دانش حقوق، دانش سیاست، مبانی دانش حقوق اساسی و قانون اساسی طبقه‌بندی و ارائه می‌گردد.

درسنامه (۱): دانش حقوقی



در این مبحث، تعریف دانش حقوق، مبانی اجتماعی دانش حقوق و تقسیم‌بندی علم حقوق ارائه می‌شود تا پایه‌های علمی دانش حقوق در ذهن ترسیم، و آمادگی جهت مطالعات تخصصی‌تر ایجاد گردد.

تعریف دانش حقوقی

شکل‌گیری هر یک از علوم مستلزم قرارگرفتن مجموعه‌ای از نظریات، اصول و قواعد با موضوع و هدف مشترک در کنار یکدیگر است. به عنوان مثال علم پزشکی، مجموعه‌ای از نظریات و قواعد است که موضوع آن بدن انسان و هدف آن سلامتی انسان می‌باشد. علم حقوق نیز به عنوان یک رشته‌ی علمی مانند هر علم دیگری مجموعه‌ای از نظریات علمی را در برمی‌گیرد. موضوع این مجموعه، قواعد و احکام اعتباری حاکم بر روابط بین پدیده‌ها (پدیده‌هایی مانند انسان، اشیاء، جانداران، طبیعت و...) با یکدیگر می‌باشد. به عبارت دیگر موضوع علم حقوق، احکام اعتباری است که بر روابط پدیده‌ها حاکم است. در واقع برخی از قواعد، واقعی و طبیعی هستند، مانند کشش میان دو جسم به واسطه‌ی نیروی جاذبه یا رابطه‌ی محبت و عشق بین فرزند و مادر. اما برخی احکام و روابط، اعتباری هستند، یعنی گروهی از انسان‌ها (جامعه) با توافق خود، وجود رابطه‌ای را فرض می‌کنند، به طور مثال، رابطه‌ی مالکیت بین یک شخص و یک شیء، رابطه‌ی زوجیت بین یک زن و مرد یا مدیون (بدهکار) شدن شخصی نسبت به شخص دیگر یا مجرم بودن کسی در مقابل جامعه و اشخاص دیگر. هدف علم حقوق به طور کلی، تنظیم احکام و روابط مذکور است. این روابط با توجه به مفاهیمی مانند عدالت و نظم عمومی تنظیم می‌شود. به عبارت دیگر علم حقوق دربرگیرنده‌ی نظریات، اصول و قواعدی است که در آن‌ها احکام اعتباری با هدف برقراری عدالت و نظم، به شکل مناسب در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. به بیان ساده‌تر، انسان‌ها برای رفع نیازهای گوناگون خود، با یکدیگر تعامل خواهند داشت و زندگی جمعی انسان‌ها با یکدیگر، باعث شکل‌گیری روابط اجتماعی می‌گردد، در نتیجه‌ی چنین تعاملی، ضرورت تنظیم روابط اجتماعی، معنا می‌یابد.

نکته ۱: در این راستا **دانش حقوق**، به تنظیم روابط اجتماعی در حوزه‌های مختلف می‌پردازد.



ذکر چند مثال می‌تواند مفهوم حقوق را مشخص‌تر سازد.

مثال ۱- بخشی از روابط اجتماعی، مربوط به روابط بین افراد جامعه با یکدیگر می‌شود که از آن تعبیر به روابط خصوصی کرده و تنظیم آن را حقوق خصوصی می‌نامیم.

مثال ۲- تنظیم روابط تجاری و شرکت‌های تجاری، حقوق تجارت را شکل می‌دهد.

مثال ۳- تنظیم روابط اداری و سازمان‌های اداری در جامعه، حقوق اداری را شکل می‌دهد.

مثال ۴- حقوق کار به تنظیم روابط کار فی‌مابین افراد جامعه، می‌پردازد.

منظور از تنظیم روابط در هر حوزه‌ای، مشخص کردن بایدها و نبایدهای رفتاری در آن حوزه است. در واقع حقوق به مجموعه‌ای از قواعد و دستورهای رفتاری الزام‌آوری اطلاق می‌شود که هدف آن ایجاد نظم و عدالت در روابط اجتماعی است و بر افراد و گروه‌های اجتماعی تحمیل می‌شود و دارای ضمانت اجرای سازمان‌یافته توسط قدرت است.



مثال: قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، در حوزه‌ی تردد وسایل نقلیه مانند خودروها، به قواعد و دستورهای اطلاق می‌شود که سرنشینان وسایل نقلیه باید آن را رعایت کنند. برای نمونه رانندگان باید در مقابل چراغ قرمز توقف نمایند و در صورت سبز شدن چراغ، آزادند که عبور نمایند. اگر رانندگان از چراغ قرمز عبور نمایند، جریمه می‌شوند و پلیس با آن‌ها برخورد می‌نماید. در اینجا، جریمه شدن و برخورد پلیس ضمانت اجرای رعایت قانون است. از دید هانری لوی بروئل، حقوق مجموعه قواعد لازم‌الاجرائی است که روابط اجتماعی را شکل می‌دهد و در هر زمان توسط گروه انسانی مورد تعلیق، تحمیل می‌گردد و به بیان ساوینی، نسج حقوق، دست بافته گذشته یک ملت است.

مبانی اجتماعی دانش حقوقی

در اصطلاح حقوقی، هر شخصی دارای حقوق و تکالیفی است که با اعمال حقوقی، وقایع حقوقی به منصفی ظهور می‌رسند. فرد انسانی نیز در علم حقوق، به همین معنا دارای شخصیت است؛ یعنی اینکه دارای حق و تکلیف است. البته این حقوق و تکالیف، در دایره‌ی ارتباط با دیگران و روابط اجتماعی است که معنا می‌یابد. بنابراین مبنای اجتماعی حقوق انسان را باید در زندگی اجتماعی و زمینه‌های آن جستجو نمود. این مبنای اجتماعی حقوق، ما را به فرآیند اجتماعی شدن هدایت می‌کند. «اجتماعی شدن» فرآیندی است که به انسان، راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به عنوان عضو جامعه، توسعه می‌بخشد. در واقع، اساس و محور حقوق انسانی، زندگی اجتماعی است. انسان برحسب گرایش‌های طبیعی یا نیازهای اجتماعی به منظور ایجاد امکانات زیستی و مبارزه با دشواری‌های حیات، به زندگی مشترک اجتماعی رو می‌آورد. تماس و زندگی افراد با یکدیگر در چارچوب شغل، اقتصاد، رفاه، فعالیت‌های مذهبی یا سیاسی، در حقیقت تأمین نیازهای گوناگون است. انسان باید لزوماً در محیط اجتماعی زندگی کند تا امکان حیات یابد. بنابراین اجتماع‌گرایی فرد، چه روانی باشد، چه برحسب فطرت و چه براساس الزامات صرفاً اجتماعی، امری اجتناب‌ناپذیر و گرایش به سوی دیگران نخستین سنگ بنای جامعه است. در واقع، افراد که در درون جامعه زندگی می‌کنند برای تأمین نیازهای متنوع عمل نمود و در نتیجه با یکدیگر رابطه برقرار می‌نمایند. حرکت و عمل و رابطه آن‌ها احتیاج به مرزبندی و تحدید حدود دارد. این حدود همان است که به آن «حقوق» می‌گویند و مفرد آن حق می‌شود.

نکته ۲: لذا حقوق (حدود) منبعث از روابط اجتماعی است و موضوعی اختراعی، یعنی قراردادی و وضعی است. روی دیگر حق، تکلیف است. حق بدون تکلیف و تکلیف بدون حق، مفهومی ندارد. بنابراین سرچشمه‌ی حقوق و تکالیف، مرزبندی روابط اجتماعی انسان‌ها است.

اما در راستای همین مباحث و تحقیق راجع به هدف حقوق، موضوعی که مدت‌ها، اذهان را به خود مشغول کرده بود، این بود که آیا، هدف حقوق، باید «فرد» باشد یا «اجتماع»؛ اگر چه باید اذعان نمود که وجود فرد و اجتماع هر دو حقیقت دارد، و هدف حقوق باید حفظ شخصیت انسان و در عین حال تأمین منافع عمومی باشد. به همین جهت نظم عادلانه (هدف حقوق) را باید ایجاد تعادل و توازن بین منافع فردی و اجتماعی تعریف نمود. در این راستا است که مجموعه‌ای از روابط پیچیده و چندبعدی در روابط اجتماعی انسان‌ها، مورد توجه علم حقوق است.

تقسیم‌بندی علم حقوق

در سیر تکاملی علوم، دانشمندان هر رشته به تقسیم‌بندی‌هایی می‌پردازند که موجب بالا بردن دقت و سهولت در تحقیق و پژوهش می‌گردد. دانش حقوق نیز از این قاعده مستثنی نیست. رشته‌ها و مباحث علم حقوق بسیار گسترده است.

نکته ۳: براساس تقسیم‌بندی رایج، علم حقوق از دو جهت به دو بخش کلی تقسیم می‌شود. از یک جهت به حقوق عمومی و حقوق خصوصی و از جهت دیگر به حقوق داخلی و خارجی (بین‌المللی)؛ در واقع از جمله شاخص‌های مورد استفاده در تقسیم‌بندی علم حقوق، مرز (عنصر خارجی) و حاکمیت هستند.

بنابراین دو تقسیم‌بندی مهم علم حقوق براساس دو عامل مرز و حاکمیت، عبارتند از:

۱- حقوق عمومی و حقوق خصوصی: حقوق خصوصی روابط اجتماعی بین افراد جامعه را تنظیم می‌کند و حقوق عمومی به تنظیم روابط اجتماعی می‌پردازد که حداقل یک طرف آن رابطه، دولت (حاکمیت) باشد. به طور مثال تنظیم روابط افراد در امر ازدواج و یا معامله اشخاص با یکدیگر در حوزه‌ی حقوق خصوصی است، چرا که ناظر به روابط خصوصی است. اما حقوق عمومی ناظر به مسائلی است که عموم مردم یا به عبارتی حوزه عمومی را دربر می‌گیرد و چون مربوط به عموم جامعه است، لذا یک طرف آن، همواره نماینده نظم حاکم بر جامعه یعنی دولت یا حکومت است. به طور کلی حقوق عمومی به قواعد و مسائلی می‌پردازد که در آن نقش حاکمیت دولت یا دولت‌ها، مهم و برجسته می‌باشد اما حقوق خصوصی به بررسی روابط بین اشخاص و در برخی موارد به رابطه بین اشخاص و دولت از آن جهت که جنبه تصدی‌گری دارد، می‌پردازد.

۲- حقوق داخلی و بین‌المللی: مفهوم حقوق داخلی، تداعی‌کننده‌ی آن بخش از دانش حقوق است که در آن، عناصر داخلی یک کشور (جامعه سیاسی) دخالت دارند، در حالی که حقوق بین‌الملل به قواعدی می‌پردازد که حداقل یک عنصر خارجی در آن عینیت می‌یابد. در واقع، حقوق داخلی در حوزه‌ی روابط داخلی فی‌مابین افراد یک جامعه و کشور عمل می‌کند و حقوق بین‌الملل در حوزه‌ی روابط بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در سطح جهان معنا می‌یابد.

نکته ۴: در تقسیم‌بندی رایج از علم حقوق، حقوق اساسی جزئی از حقوق عمومی و حقوق داخلی به شمار می‌رود.

کج مثال ۱: مبنای اصلی حقوق عمومی کدام است؟

(دکتری ۹۱)

(۴) قانون اساسی

(۳) قدرت شخصی

(۲) صلاحیت

(۱) قدرت عمومی

پاسخ: گزینه «۴» حقوق اساسی، نخستین زنجیره به هم پیوسته حقوق عمومی است. اگر بخواهیم رشته‌های حقوق عمومی را به صورت عمودی و از حیث سلسله‌مراتب منظم و مرتب نماییم، حقوق اساسی در رأس این سلسله‌مراتب جای می‌گیرد، چراکه حقوق اساسی، رشته‌ای از حقوق عمومی داخلی است که تشکیلات عمومی دولت و ساخت‌بندی قوای اساسی مملکت و نهادهای ترکیب‌کننده رژیم‌های سیاسی را تعیین می‌کند. پس، قواعد و احکام مورد بررسی آن در عالی‌ترین سطح حقوق عمومی قرار دارد. برخی از صاحب‌نظران از این پیشتر رفته و حقوق اساسی را پایه و مبنای حقوق عمومی دانسته‌اند.



مدرس‌ان شریف

فصل دوم

«دولت»

مقدمه

در این فصل مفهوم دولت، عناصر سازنده دولت، حاکمیت دولت، نظریه‌ی قرارداد اجتماعی و انواع شکلی دولت بحث و تحلیل می‌شود تا دولت یا به تعبیری دولت - کشور را به عنوان یک مفهوم کلیدی در حقوق اساسی درک نماییم.

درسنامه (۱): مفهوم دولت و ویژگی‌های آن



در این بخش، تعریف دولت و تفاوت آن با حکومت و جامعه ارائه می‌گردد.

❖ **تعریف دولت:** لفظ دولت در معنای علمی خود، یعنی جمعیتی از افراد بشر که سرزمین معینی را در تصرف حاکمانه خویش دارند و حکومتی برای خود تشکیل داده‌اند و مطیع و تابع هیچ قدرت خارجی نیستند.

به بیان دیگر؛ هنگامی که مردمی در سرزمینی مستقر می‌شوند و برای رسیدن به اهدافشان و رفع نیازهایشان، خود را سازماندهی می‌نمایند، طبعاً از برخی قواعد عمومی رفتاری اطاعت می‌کنند؛ اینجا است که پدیده‌ی دولت شکل می‌گیرد. دولت یک جامعه‌ی سرزمینی است که به دو قسمت تقسیم شده است: یک قسمت کوچک آن، دستگاه حکومت می‌باشد و قسمت بزرگ دیگر شهروندان. اما حکومت، هیئتی از افراد است در درون دولت که وظیفه‌ی برطرف کردن نیازهای عمومی را به عهده دارد که دولت به خاطر آن تشکیل شده است مانند امنیت و غیره؛ برای مثال وقتی در حقوق اساسی می‌گوییم دولت ایران، عضو سازمان ملل متحد است، منظورمان جامعه‌ی سیاسی است که شهروندان ایرانی در سرزمین ایران تشکیل داده‌اند که این جامعه برای اداره‌ی امور خود دارای حکومتی نیز می‌باشد (حکومت ایران که بخشی از دولت ایران محسوب می‌شود؛ هر چند در محاورات روزمره، گاهی عبارات دولت و حکومت مترادف هم به کار می‌روند اما از لحاظ علم حقوق اساسی و علم سیاست صحیح نیست).

با توجه به اینکه دولت، حوزه‌ی اصلی مطالعات حقوق اساسی است و با توجه به اینکه ابهاماتی در کاربرد این واژه وجود دارد، در برخی متون از واژه‌ی دولت - کشور استفاده می‌شود تا مقصود اصلی را با تمام وجوه مورد نظر در حقوق اساسی برساند.

📖 **نکته ۱:** مهمترین واحدهای سیاسی، دولت یا همان دولت - کشورها هستند که تشکیل آن‌ها مستلزم سه عامل جمعیت (ملت)، سرزمین و قدرت سیاسی عالی است. بنابراین دولت - کشور، جامعه‌ی سیاسی سازمان یافته و نهادبندی شده‌ای است که از سایر جوامع متمایز بوده و شخصیت مشخص و متمایزی از عناصر ترکیبی خود دارد.

تفاوت دولت با حکومت

مطلبی که توضیح آن به درک بهتر مفهوم دولت یا دولت - کشور کمک می‌کند، تفاوت بین دولت و حکومت است. در محاورات عادی دو واژه دولت و حکومت به جای هم به کار برده می‌شوند، آن چنانکه گویی این دو واژه هم معنی و مترادف هستند و هیچ فرقی بین آن‌ها نیست. در حالی که در علم سیاست مدرن، حکومت یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی دولت محسوب می‌گردد و از طرف دولت به وجود آمده است تا هدف‌هایی را که خود دولت برای نیل بدان‌ها تشکیل شده است، تأمین نماید. حکومت نوعی آژانس و کارگزار است که قدرت ذاتی ندارد. حدود اختیارات حکومت همان است که قبلاً از طرف خالق آن یعنی دولت در متن قانون اساسی تعیین شده است. حکومت می‌تواند در محدوده‌ای که دولت برای اختیارات آن مشخص کرده است عمل کند. اما حتی در این محدوده باز آزادی عمل کامل ندارد. بلکه باید روی خط حرکت نماید که قبلاً در قانون اساسی و قوانین عادی و عرف سیاسی کشور، پیش‌بینی شده است. قانون اساسی کشور، اساسنامه وجودی حکومت است. موقعیت حکومت را می‌توان به موقعیت هیئت مدیره یک شرکت سهامی تشبیه کرد.

درست همان طور که یک هیئت مدیره شرکت، نماینده و مأمور از طرف صاحبان سهام شرکت است و از طرف آن‌ها بر طبق اساسنامه، امور شرکت را اداره می‌نماید و در مقابل، مزد دریافت می‌کند، همان طور هم حکومت نماینده و مأمور از طرف دولت است و در قبال خدمتی که انجام می‌دهد، مزد می‌گیرد. مفهوم دولت شامل همه شهروندان می‌شود، یعنی همه شهروندان عضو دولت هستند. اما حکومت جزء کوچکی از مجموع شهروندان می‌باشد، یعنی فقط مأمورین مشغول خدمت در قوای سه‌گانه، عضو حکومت هستند که البته در عین حال عضو دولت نیز نیستند.

از طرف دیگر دولت دارای خصلت دائمی و استمرار است؛ اما حکومت قابل تغییر و موقتی است. به عنوان مثال در انگلستان پادشاه قسمتی از حکومت است. در حقوق اساسی آن کشور مثالی است که می‌گویند: «پادشاه مرد، زنده باد پادشاه» یعنی، هم زمان با اعلام فوت یک پادشاه، اعلامیه‌ی شروع پادشاهی پادشاه بعدی، اعلام می‌گردد. بدین ترتیب یک قسمت از ماشین حکومت، جای خود را به قسمت جدیدی می‌دهد، بدون این که تأثیری در وجود دولت انگلستان بر جای گذارد.

حکومت‌ها در همه‌ی کشورها، یا از طریق فرآیند مسالمت‌آمیز قانونی و یا در اثر انقلاب، همواره دستخوش تغییر هستند، در صورتی که دولت‌ها پیوسته ثابت و پابرجا باقی می‌مانند. به عنوان مثال در ایران، با انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، نوع حکومت از پادشاهی به جمهوری اسلامی تغییر نمود اما موجودیتی حقوقی - سیاسی، به نام دولت ایران، ثابت و استمرار یافت.

نکته ۲: نکته‌ی دیگری که می‌تواند در فهم بهتر مفهوم دولت مفید باشد، بیان تفاوت دولت با جامعه است. دولت یعنی کل جامعه و کل جامعه یعنی دولت؛ البته هر جامعه‌ای یک دولت نیست بلکه آن جامعه‌ای دولت محسوب می‌گردد که دارای سرزمین معین و حکومت و استقلال بین‌المللی باشد. اگر جامعه‌ای حکومتی از خود نداشته باشد یا سرزمین معینی در تصرف خود نداشته باشد، جامعه هست اما دولت محسوب نمی‌گردد. مانند جوامع مهاجر در کشورهای دیگر، مثل افغانی‌های مقیم ایران یا جامعه ایرانی‌های مقیم آمریکا.

عناصر سازنده دولت

همان طور که اشاره گردید، دولت به گروهی از افراد انسانی اطلاق می‌شود که در سرزمین معینی سکونت داشته و تابع یک قدرت عالی سیاسی هستند.

نکته ۳: تشکیل دولت مستلزم سه عامل جمعیت، سرزمین و قدرت عالی فرمانروایی است.

عناصر نخست - جمعیت

جمعیت، عامل انسانی دولت است. بدون جمعیت، دولت موجودیتی ندارد و جمعیت نیز به خودی خود تشکیل دولت را نمی‌دهد، اما منظور از جمعیت، صرف یک توده‌ی انسانی مستقر در یک سرزمین نیست بلکه جمعیتی است که پیوندها و همبستگی‌های عمیق معنوی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و همین ارتباط، این جمعیت را در عرصه‌ی جهان به عنوان یک ملت معرفی می‌نماید. توده‌های انسانی که فاقد روح ملیت و همبستگی‌های اجتماعی بودند، هیچ گاه در نزد جامعه شناسان، دولت محسوب نمی‌شوند. از نظر متخصصان، تنها عوامل مادی از قبیل سرزمین، جمعیت و قدرت برای تشکیل دولت کافی نیست بلکه عامل اصلی، روح ملیت و همبستگی است که سبب می‌شود اعضای یک گروه نسبت به یکدیگر احساس همبستگی نمایند و موجودیت جدا از سایر گروه‌ها قائل شوند و بخواهند برای خود حاکمیتی به وجود آورند و دولت تشکیل دهند. بنابراین، فاکتور همبستگی، پایه‌ی تشکیل گروه انسانی است. امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، همبستگی را به دو نوع مکانیک و ارگانیک طبقه‌بندی می‌نماید. در همبستگی مکانیکی، گرایش به گروه براساس تشابه اعضای گروه به وجود می‌آید مانند تشابهات زبانی، مذهبی، قومی و نژادی. اما همبستگی ارگانیک در روابط اجتماعی پیشرفته‌تر و متکامل‌تری به مثابه‌ی یک فرآیند رخ می‌دهد. در این موقعیت، تقسیم کار اجتماعی نوعی گسست را به وجود می‌آورد و سپس نوعی اندام‌بندی اجتماعی، پیوند بین اعضای گروه را براساس خصلت تشکیلاتی و عقلانیت برقرار می‌سازد.

از دید حقوقی - سیاسی ملت را می‌توان به صورت گروهی انسانی که اعضای آن در اثر عوامل پیونددهنده‌ی مادی و معنوی به یکدیگر وابسته گردند و نسبت به جماعت احساس تعلق خاطر کنند و سرنوشت خود را با سرنوشت سایر اعضا یکی بدانند، تعریف نمود.

دو دیدگاه کلی راجع به عوامل پیونددهنده‌ی ملت وجود دارد که تحت عناوین دیدگاه‌های آلمانی و فرانسوی بیان می‌شود.

نکته ۴: عوامل تشکیل‌دهنده‌ی ملت، از دیدگاه آلمانی عبارتند از: عوامل قومی، نژاد، زبان و مذهب و از دیدگاه فرانسوی، اصل اراده زیست دسته‌جمعی، عامل اصلی به وجود آورنده‌ی ملت است.

عناصر دوم - سرزمین

سرزمین چارچوبه‌ی فضایی واجبی است که جمعیت هر کشور در آن استقرار یافته و برای اعمال حاکمیت دولت از واجبات است. به بیان دیگر، سرزمین، عامل مادی دولت - کشور است و آن قسمتی از خاک، آب و فضا است که دولت در آن فرمانروایی می‌کند.

ارتباط سرزمین با دولت از دید حقوق دانان در چند محور قابل بررسی است:

۱- سرزمین، عامل سازنده دولت است: بدون شک سرزمین یکی از شرایط عینی و مادی تشکیل دولت است. اما در مواردی مانند فرانسه زمان جنگ جهانی دوم و یا فلسطین، ما شاهد تشکیل دولتی بدون سرزمین هستیم. بنابراین باید تفاوتی بین شرط و عامل سازنده دولت قائل گردید و حذف عامل سرزمین را به ویژه در شرایط خاص به منزله حذف هویت دولت تلقی نکرد.



مدرسارن شریف

فصل سوم

«تفكك قواى حكومتى»

مقدمه

در این فصل قواى حكومتى و اصل مهم حاكم بر آنها يعنى اصل تفكك قوا بحث مى‌شود. این مباحث تحت عنوان بخش‌هاى قواى حكومتى، مبانى نظرى تفكك قوا و دو برداشت اصلى از نظريه تفكك قوا ارائه مى‌گردد.

درسنامه (۱): قواى حكومتى

در این بخش سعى مى‌گردد با تبیین قواى حكومتى، ضمن شناخت اجمالى قواى قانونگذارى، مجریه و قضائیه، به بررسى گسترده‌تر اصول حاكم بر ساختار قواى حكومتى در قانون اساسى جمهورى اسلامى ایران نیز پرداخته شود.

❖ تعريف قواى حكومتى

حاکمیت در دنیای مدرن، سه بعد قانونگذارى، اجرای قوانین و قضاوت (حل اختلافات مربوط به اجرای قوانین) دارد. برای تحقق این سه بعد حاکمیت، قدرت اعمال حاکمیت در سه قوهى قانونگذار (مقننه)، اجرائی (مجریه) و دادگستری (قضائیه) سازماندهی مى‌گردد؛ **قوه مقننه**: قانون در سیستم دموکراسى، مظهر اراده‌ى عام مردم است و این مهم با انتخاب نمایندگان مردم در مجالس قانونگذارى تحقق مى‌یابد. نمایندگان مردم در مجلس از طرف جامعه وکالت دارند تا نسبت به وضع قانون اقدام نمایند. **قوه مجریه**: بخش‌هاىی از حاکمیت که جنبه‌ى اجرائی دارند و تحت عنوان هیئت دولت و کابینه صورت‌بندی مى‌شوند، «قوه مجریه» نامیده مى‌شود. **قوه قضائیه**: قوه قضائیه مسئول رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوى و همچنین نظارت بر حسن اجرای قوانین است.

قوه قانونگذارى

پارلمان یا قوه قانونگذارى به دستگامى اطلاق مى‌شود که کار اصلى آن وضع قانون یا قواعد کلی لازم‌الاجرا است. پارلمان ممکن است از یک یا دو مجلس تشکیل شود. تعريف کلاسیک از قوه مقننه، قوه‌اى است که قانون وضع مى‌کند. توجه به دو مفهوم قانون و انتخابات، در قوه قانونگذارى لازم است. قانون قواعدى است که از دستگاه صالح قانونگذارى نشأت گرفته و مراحل تصویب، امضا و انتشار را پشت‌سر گذاشته باشد. همچنین انتخابات شیوه‌اى است که به وسیله آن مى‌توان از میان تعداد فراوانى از نامزدها که هرکدام بالقوه ممکن است، منعکس‌کننده بخشى از گرایش‌هاى مردم باشند، پرترفدارترین آنها برگزیده شوند. بنابراین انتخابات، راه گزینش کسانى است که به نام نماینده قرار است اراده عام را در رکن قانونگذارى به نمایش گذارند.

شرایط پایه‌اى پارلمان

ویژگی‌هاىی که برای پارلمان قابل ذکر است، عبارتند از:

- ۱- **مصونیت پارلمانى**: مصونیت پارلمانى پوششى است برای حفاظت نماینده در برابر تعقیب قضائى یا اعمال پلیسى؛ در واقع وسیله‌اى است دفاعى برای اینکه نماینده بتواند آزادى و آزادگى خود را برای ادای وظیفه نمایندگى در گفتار، نوشتار و کردار حفظ کند و دو صورت دارد:
 - الف - عدم مسئولیت ب - تعرض‌ناپذیرى
- ۲- **حمایت از پارلمان در برابر اهانت**
- ۳- **مانع‌الجمع بودن سمت نمایندگى با سایر مشاغل**
- ۴- **حقوق و پاداش**



۵- استقلال پارلمان:

الف - استقلال اداری ب - استقلال مالی ج - استقلال نظامنامه‌ای

۶- استخوان‌بندی سازمانی

ساختار هر مجلسی از ارکان مقابل ترکیب یافته است: الف - رئیس و هیئت رئیسه ب - سازمان اداری ج - کمیسیون‌های عادی و تخصصی

اختیارات و وظایف پارلمان

مهم‌ترین اختیارات و تکالیف پارلمان عبارت‌اند از:

۱- قانونگذاری، ۲- حق اظهارنظر و انتقاد، ۳- مداخله در تعیین برخی مقامات، ۴- نظارت بر اعمال اجرایی، ۵- کاروبزه قضایی.

قانونگذاری

وظیفه اصلی پارلمان وضع قانون است. صلاحیت قانونگذار (پارلمان) عام و کلی است و مجالس مقننه حق دارند در کلیه زمینه‌ها و مسائل جامعه بحث و مذاکره کنند و در آخر به وضع مقررات مبادرت نمایند.

جریان وضع قانون عبارت است از:

۱- پیشنهاد قانون یا حق ابتکار (طرح - لایحه): ابتکار قانون، حق ابداع و تنظیم در جهت وضع قانون جدید یا اصلاح قانون موجود است. ابتکار و پیشنهاد قانون ممکن است از دو منشأ انجام گیرد:

الف - از سوی نمایندگان که به آن **طرح قانونی** می‌گویند. ب - از سوی قوه مجریه که به آن **لایحه قانونی** می‌گویند.

۲- فرایند تصویب قانون ۳- تصویب قانون

انواع پارلمان

انواع پارلمان عبارتند از: ۱- پارلمان دومجلسی ۲- پارلمان تک‌مجلسی

نظام دو مجلسی در کشورهای فدرال

دو عامل پایه‌ای در کشورهای فدرال وجود دارد: عامل وحدت و عامل کثرت. گرایش وحدت‌طلبی، کششی است که ملت‌های حاکم در درون کشور فدرال به سوی یکپارچه شدن و اتحاد دارند و تمایل کثرت‌خواهی در جهت حفظ موجودیت و شخصیت دول عضو اعمال می‌گردد. بنابراین پارلمان مرکزی باید منعکس‌کننده این گرایش دوگانه باشد و نظام دو مجلسی می‌تواند به بهترین شکل، آن را از لحاظ ارگانیک تجسم بخشد. در بیشتر کشورهای فدرال، مجلس اول، نمایانگر گرایش وحدت‌طلبی است. نمایندگان آن توسط قانون انتخابات سراسری برگزیده می‌شوند و رأی‌دهندگان به عنوان شهروند جامعه کل در این انتخابات شرکت و نمایندگان آن را انتخاب می‌کنند و مجلس دوم تجسم بخش گرایش کثرت‌طلبی این کشورها است. اعضای این مجالس دوم، طبق قوانین داخلی دولت‌های عضو برگزیده می‌شوند و رأی‌دهندگان به عنوان عضو ایالت در انتخابات شرکت می‌کنند، یا اینکه مجالس دول عضو به انتخاب نمایندگان مجلس دوم فدرال می‌پردازند.

نظام دو مجلسی در کشورهای تک‌بافت

مجلس اول نمودار نوجویی، تحرک و تغییر است، زیرا تصویر مردم عادی جامعه را ارائه می‌کند که خواهان تجربیات جدید و دگرگونی‌ها در روابط اجتماعی هستند، در حالی که مجلس دوم طوری ترتیب داده می‌شود که عقل و تدبیر و مصلحت و محافظه‌کاری نیز در وضع قانون نقشی داشته باشد. مجلس اول همواره انتخابی و مجلس دوم می‌تواند انتخابی یا غیرانتخابی باشد. به عنوان نمونه، در انگلستان، دو مجلس عوام و لردان وجود دارد که رئیس مجلس لردان، حتی، ریاست قوه قضائیه را بر عهده دارد. ضمن این که انحلال مجلس عوام در انگلیس، در صلاحیت شاه یا ملکه است.

نظام یک مجلسی

در این نظام، پارلمان از یک مجلس تشکیل شده است؛ زیرا به گمان قانون‌گذاران این ممالک، سرشت دموکراسی، وجود کشور بسیط وحدت‌گرا و همچنین انتخابات همگانی با پارلمان تک‌عنصری سازگارتر است و مجلس یگانه، تصویر درست‌تری از اراده مردم و یکپارچگی جامعه ارائه می‌دهد. به عنوان مثال مجلس شورای اسلامی در ایران، یک نظام یک مجلسی است.

کج مثال ۱: مطابق اصل حاکمیت ملی، در تفویض اختیار قانونگذاری به مجریه:

(سراسری ۸۱)

۱) در صورت تجویز قانون اساسی امکان‌پذیر است. ۲) این اختیار در زمان محدودی می‌تواند مطلق باشد.

۳) مطابق با اصول کلی حقوق اساسی است. ۴) موافق با اصل همکاری و تفکیک قوا در رژیم پارلمان است.

پاسخ: گزینه «۱» مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی، «سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، اما در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را، با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آن‌ها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را، با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های ذریبط واگذار کند و یا اجازه تصویب آن‌ها را به دولت بدهد در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد...»



مدرسان شریف

فصل چهارم

«دموکراسی و حقوق بشر»

مقدمه

در این فصل دموکراسی و حقوق بشر به عنوان چارچوبه فکری حاکم بر مباحث حقوق اساسی، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

درسنامه (۱): دموکراسی و رژیم‌های سیاسی



دموکراسی

در این بخش رژیم‌های سیاسی، مفهوم دموکراسی، شاخص‌های دموکراسی و دموکراسی نمایندگی ارائه می‌گردد.

رژیم‌های سیاسی

رژیم سیاسی به معنای عام کلمه، نمودار و بیان‌کننده‌ی شیوه‌ی اعمال قدرت سیاسی و اجرای آن در یک جامعه سیاسی است.

انواع رژیم‌های سیاسی

انواع رژیم‌های سیاسی عبارتند از:

۱- مونوکراسی یا یکتاسالاری

در حالت مونوکراسی قدرت متمرکز در دست یک نفر است و به چهار نوع تقسیم می‌شود:

الف - پادشاهی مطلق، ب - خودکامگی، ج - دیکتاتوری، د- مونوکراسی‌های توده‌ای

۲- رژیم‌های چندتن سالاری

چندتن سالاری یعنی حکومت شمار معدودی که در اقلیت به سر می‌برند، ولی به سبب حوادث مختلف قدرت را به دست دارند و به انواع زیر تقسیم می‌شوند:

الف - آریستوکراسی یا نجیب سالاری، ب - حکومت زمینداران یا فئودالیسم، ج - حکومت ثروتمندان یا پلوتوکراسی و د- حکومت شایستگان یا شایسته سالاری

هـ - حزب‌سالاری یا پارتیتوکراسی

۳- همه سالاری یا دموکراسی

دنیای جدید، دنیایی است که اکثر رژیم‌ها و نظام‌های سیاسی دنیا یا دموکراتیک هستند و یا آنکه ادعای آن را دارند. به بیان دیگر، بررسی نظام‌های سیاسی مدرن، یعنی بررسی دموکراسی.

مفهوم دموکراسی

دموکراسی واژه‌ای است برگرفته از واژه‌های یونانی دیموس به معنی مردم و کراسیا به معنی قدرت. دیموس در کاربرد یونانی و آتنی به معنای جمع روستاییان بوده است؛ تا اینکه در سده پنجم قبل از میلاد، تغییری در معنای دیموس پدید آمد و این واژه بر اجتماع همه‌ی مردم آتن اطلاق شد، که برای اجرای کارهای حکومتی گردهم می‌آمدند. در این معنی، دیموس هر دو لفظ روستایی‌ها و شهری‌ها را دربرمی‌گرفت. در سال ۵۰۹ قبل از میلاد، در نتیجه‌ی اصلاحات قانون‌گذار آتنی، اداره‌ی جامعه آتن به دست روستاییان افتاد و از آن پس حکومت آتن را «دموکراسیا» نامیدند، یعنی حکومت روستاییان.

این معنی نیز اندک اندک گسترش یافت تا آنکه دموکراسی اسم عام شد برای حکومت‌هایی که به‌دست همه مردم گردانده شود.

البته باید توجه نمود که پذیرش نوع حاکمیت (دموکراتیک و یا استبدادی)، لزوماً مستلزم وجود نوع خاصی از ساختار حکومتی نخواهد بود، بلکه ممکن است طیفی از ساختارهای حکومتی را دربرگیرد. در واقع جوامع می‌توانند براساس زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود دموکراسی را با ویژگی‌های جامعه خود تلفیق نموده و مدل مناسب حکومت و دولت خود را برگزینند. به‌عنوان مثال، در انگلستان قدرت پادشاه محدود به قدرت پارلمان، قانون و عرف‌های دموکراتیک حاکم بر جامعه شده است.



نکته ۱: در دموکراسی، مشروعیت عبارت از قبول کردن و به رسمیت شناختن قابلیت و ارزش‌های یک نظم سیاسی توسط مردم است. مبانی فکری سیستم دموکراسی، براساس تفکری کاملاً ساده و در عین حال حقوق بشری قرار دارد و آن تساوی کلیه افراد در حق تعیین سرنوشت خویش است. طرفداران این نظریه می‌گویند، در جامعه‌ای که تمام افرادش از لحاظ انسان بودن، با یکدیگر برابرند و همه اختیار خود را دارند، هیچ دلیلی وجود ندارد که یک نفر بر دیگران مسلط شود و بر آن‌ها فرمان راند، و حتی هیچ طبقه یا گروهی نیز چنین حقی ندارد. هر فرد خود باید سرنوشت خویش را معین کند و درباره‌ی خود تصمیم بگیرد. بنابراین حاکمیت و قدرت، متعلق به مردم است و هر شخصی حق دارد که در اداره‌ی امور عمومی (امور سیاسی) کشور خود، به طور مستقیم یا به واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید. از طرف دیگر هر شخص باید از شرایط برابر جهت دستیابی به مناصب و مشاغل عمومی برخوردار باشد. اراده‌ی مردم، اساس قدرت حکومت است (حاکمیت مردمی = دموکراسی)؛ این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به طور ادواری (دوره‌ای) صورت می‌پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به طریقه‌ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین نماید.

هسته‌ی اصلی دموکراسی، عبارت است از حکومت مردم یا نظارت همگانی بر تصمیم‌گیری‌های جمعی. در واقع نقطه‌ی شروع دموکراسی، شهروندان هستند نه نهادهای حکومتی.

در مجموع امتیازات و ویژگی‌های رژیم‌های دموکراتیک عبارتند از:

- ۱- دموکراسی به ما کمک می‌کند تا جلوی حکومت‌های خودکامه، شرور و بی‌رحم را بگیریم.
- ۲- دموکراسی مبانی و اصول حقوق اساسی را برای شهروندان تضمین می‌کند؛ همان حقوقی که نظام‌های غیردموکراتیک نمی‌خواهند، یا نمی‌توانند، آن‌ها را به رسمیت بشناسند.
- ۳- دموکراسی بیش از هر نظام دیگری، آزادی‌های فردی را برای شهروندان تضمین می‌نماید.
- ۴- دموکراسی به انسان‌ها کمک می‌کند تا از حقوق و آزادی‌های خود دفاع و حفاظت نمایند.
- ۵- فقط حکومت دموکراتیک می‌تواند حداکثر فرصت را برای افراد فراهم سازد تا آزادانه سرنوشت خود را تعیین نمایند، یعنی براساس قوانینی که خودشان برمی‌گزینند، زندگی کنند.
- ۶- تنها حکومت دموکراتیک می‌تواند حداکثر فرصت را برای اعمال مسئولیت اخلاقی فراهم نماید.
- ۷- دموکراسی بیش از هر بدیل ممکن، باعث رشد صفات انسانی می‌شود.
- ۸- تنها یک حکومت دموکراتیک می‌تواند، میزان مطلوبی از برابری سیاسی را تضمین نماید.
- ۹- دموکراسی‌های جدید که براساس نمایندگی شکل گرفته‌اند با یکدیگر نمی‌جنگند.
- ۱۰- کشورهایی که دارای حکومت‌های دموکراتیک هستند، رونق بیشتری از حکومت‌های غیردموکراتیک داشته‌اند. با این همه مزایا، دموکراسی برای بیشتر ما نسبت به سایر بدیل‌های موجود، انتخاب کم‌خطرتری است. در عین حال همیشه باید توجه نمود که حقیقت این است که در دموکراسی، اصل، مشارکت مردم است. آنچه دموکراسی را دموکراسی می‌کند، شکل حکومت نیست، مشارکت مردم در امر حکومت است. در عین حال باید توجه نمود که، در حالی که اشکال ویژه‌ی دموکراسی ممکن است متناسب با مراحل تاریخی و اجتماعی تغییر نماید، نظریه‌ی دموکراسی مبتنی بر مشارکت و گفتگو، از اجزا ضروری برای سازماندهی سیاسی یک نظم اجتماعی آزاد به شمار می‌رود.

شاخص‌های دموکراسی

علاوه بر آنکه هر سیستم دموکراتیکی، باید کلیه‌ی معیارهای حقوق بشری را رعایت کند، اصول و شاخص‌هایی که سیستمی را شایسته عنوان دموکراتیک می‌سازد عبارت‌اند از:

حق و آزادی مشارکت همگانی

همه‌ی افراد یک جامعه حق دارند در اداره‌ی امور مدیریتی، عمومی و سیاسی جامعه خویش مشارکت کنند. مشارکت در تعیین سرنوشت، ناشی از حق حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش است و کسی حق ندارد و نمی‌تواند آن را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. اگر مردم، حاکمیت خود را به طور مستقیم و بدون این که نماینده و واسطه‌ای در بین باشد اعمال کنند، دموکراسی، «دموکراسی مستقیم» نامیده می‌شود. در جوامع امروز، دموکراسی مستقیم به دلیل مشکلات عملی، غیرممکن است و دموکراسی به دموکراسی غیرمستقیم یا دموکراسی نمایندگی تبدیل شده است. دموکراسی نمایندگی، حکومتی است که در آن، ملت، حاکمیت خود را به طور غیرمستقیم یعنی توسط نمایندگان اعمال و اجرا می‌نماید. در دموکراسی نمایندگی (غیرمستقیم)، نکته حائز اهمیت این است که ملت فقط اجرای حاکمیت را به نمایندگان خود واگذار می‌کند نه خود حاکمیت را.



کثرت‌گرایی و تسامح و تحمل چندگانگی سیاسی

همه می‌دانیم که اگر اصل آزادی مرعات شود، طبعاً شیوه‌ها و گرایش‌های مختلفی بروز و ظهور خواهد کرد و احزاب و گروه‌بندی‌های سیاسی مختلفی تبلور خواهند یافت. به تجربه ثابت شده است که در هیچ جامعه‌ای همه‌ی مردم به صورت یکسان تمایلات و منافع مسلکی و سیاسی واحدی ندارند. تنوع گرایش‌ها با گوناگونی منافع، امری طبیعی است. لذا دموکراسی عصر جدید با پذیرش این واقعیت بر نسبی‌گرایی سیاسی، تسامح، مدارا و شکیبایی تأیید می‌کند. چرا که در غیر این صورت، گروه یا حزب حاکم باید با سایرین به منزله‌ی دشمنان و توطئه‌گران برخورد کند و در نابودی و امحاء آنان بکوشد و این خود سنگ بنای رژیم‌های سرکوبگر و خودکامه و مطلق‌گراست.

کثرت‌گرایی سیاسی ایجاب می‌کند که هر شهروند بتواند از میان امکانات گوناگون و راه‌حل‌های متنوع بنا بر سبک و سیاق خود گزینش نماید، به عضویت هر یک از گروه‌بندی‌هایی که می‌خواهد درآید و یا به نامزدها و راه‌حل‌های ارائه شده توسط یکی از آنها رأی دهد.

در این راستا بحث احزاب پیش می‌آید. احزاب سازمان‌هایی هستند که بر مبنای شکل دادن به گرایش‌ها، منافع و اندیشه‌های موجود در جامعه پایه‌گذاری شده‌اند. کار احزاب تعیین و تعریف هدف‌ها و خط‌مشی‌ها، تهیه و تنظیم برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و پیشنهاد به مردم جامعه است تا هر که آنها را می‌پسندد به سوی آنها روی آورد و همچنین قرار است که اگر در رقابت‌های سیاسی پیروز شوند طبق برداشت‌ها و بینش‌های خود جامعه را به پیش ببرند. کثرت‌گرایی سیاسی بدون حضور احزاب سیاسی معنایی ندارد. در کل هدف اصلی احزاب دستیابی به قدرت سیاسی است.

توزیع خردمندانه قدرت

شرایط توزیع قدرت به صورت معقول عبارتند از:

۱- سرشکن شدن قدرت در هیئت حاکمه، ۲- تفکیک وظایف و تعدد نهادها، ۳- محدودیت مدت تصدی و ادواری بودن مشاغل سیاسی

حاکمیت اکثریت و احترام به حقوق اقلیت

در دموکراسی جدید همه مردم در مرحله‌ی اظهارنظر و ارائه‌ی پیشنهادها به طور مساوی آزادند و در این زمینه اصل بر عدم تبعیض است. قوانین ناشی از اراده عام نیز نحوه‌ی مشارکت شهروندان را تنظیم و حقوق و مسئولیت‌ها و حد و مرز آنها را مشخص می‌کنند.

اما در نهایت باید در تعیین فرمانروایان و نمایندگان یا در زمینه‌ی اخذ تصمیم، اراده رسمی مردم ملاک و معیار باشد و طبعاً جز اینکه اکثریت، ملاک اراده‌ی عام مردم فرض شود، چاره‌ای نیست. به بیان ساده‌تر، هنگام انتخابات و گزینش فرمانروایان، گروه‌ها، احزاب و افراد در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند و هر کس متاع خویش را در بازار سیاست عرضه می‌کند. هر کس که در این گیرودار، اکثریت یافت، زمام امور را به دست می‌گیرد و جامعه را برحسب دکتترین یا مسلک خود، آن هم برای مدت معینی، راه می‌برد. دیگران که اکثریت نیافته‌اند، باید حکومت را بپذیرند و بر تصمیمات آن گردن نهند.

زیرا آراء و قوانین صادره از سوی اکثریت مبین اراده عمومی است و نتایج تصمیمات بر همه تحمیل می‌شود. از سوی دیگر اکثریت حاکم، نیز باید به نوبه‌ی خود به اقلیت احترام گذارد و حقوق آنها را محترم شمرد و زمینه‌ی بروز و ابراز انتقاداتش را فراهم نماید. حقوق اقلیت به همان اندازه قابل احترام است که ممکن است در آینده به صورت اکثریت درآید. ابراز عقیده‌ی قانونی مخالف که بر روی اصول «آزادی» و «برابری» بنا شده، در جای خود به عنوان عنصر زیربنایی اصل اکثریت به شمار می‌آید. وجود مخالف در دموکراسی به همان اندازه‌ی وجود دولت ضروری است. به گروه مخالف نباید به عنوان یک عنصر دشمن و یا یک هیئت خارج از مردم نگریست؛ بلکه ضرورت وجود آن خصوصاً برای نظارت و کنترل بر اعمال نمایندگان اکثریت در مقام اعمال قدرت کاملاً قابل درک است، تا از این راه با مطالعه و دقت نظر، به اصلاح رفتار زمامداری خود بپردازند و یا بدین وسیله زمینه مناسب فراهم شود تا اقلیت از طریق کسب اکثریت آرا عمومی، جایگزین گروه قبلی گردد.

بزرگترین فضیلت این سیستم آن است که همه‌ی گروه‌ها و گرایش‌ها را امیدوار نگاه می‌دارد که روزی ممکن است، قدرت را به دست گیرند یا در شکل‌گیری آن شرکت داشته باشند. پس به خلاف رژیم‌های اقتدارگرا، بغض متراکم و انفجارآمیز و حتی نفرت خشونت‌زایی که در اثر مداومت ممکن است، گروه‌های اجتماعی را به برخوردهای مخربی سوق دهد در دموکراسی‌ها کمتر به چشم می‌خورد و اگر در مقطعی، تضادی بروز کند قاعداً به نوعی تعارض و رویارویی ملایم یا معقول تبدیل می‌گردد. اگر از راه‌های مسالمت‌آمیز بتوان به قدرت دست یافت دیگر نیازی به خشونت و مبارزه‌ی مسلحانه و خون‌ریزی احساس نمی‌گردد. نهایت اینکه، دموکراسی، سیستمی است که در آن امکان تبدیل اقلیت‌های فکری، به اکثریت حاکم همواره وجود دارد.

گردش قدرت

حاکمیت، متعلق به همه‌ی مردم است. حاکمیت اراده مردم (منشأ اقتدار سیاسی)، در مقاطع زمانی مشخص از طریق نظر و تصمیم اکثریت، به منصفه‌ی ظهور می‌رسد. لذا با عنایت به اینکه ترکیب اکثریت، امکان دارد پس از گذشت زمانی تغییر پیدا کند، باید دوره‌ی مدیریت و نمایندگی حاکمان را محدود نمود و باب گردش قدرت را باز نگه داشت. بدین ترتیب در هر انتخابات جدیدی، اگر گروه قبلی که سرکار بودند در جلب نظر مردم موفق بودند، با کسب دوباره رأی مردم، امکان تصدی مجدد پیدا کرده و در غیر این صورت، سایر گروه‌ها که در دوره‌ی قبل موفق به جلب نظر اکثریت نشده‌اند، مجال کسب رأی اکثریت و تصدی نمایندگی و مدیریت جامعه را پیدا می‌کنند. در واقع ملت فقط اجرای حاکمیت را به نمایندگان خود واگذار می‌کند نه خود حاکمیت را، بنابراین ملت می‌تواند هر موقع بخواهد نمایندگان خود را عزل و نمایندگان دیگری به جای آنها انتخاب کند. این مسئله ما را به اصل گردش قدرت، محدودیت مدت تصدی و ادواری بودن مشاغل سیاسی می‌رساند.



مدرس‌ان شریف

فصل پنجم

«انتخابات»

مقدمه

در این فصل، کلیات انتخابات، احزاب سیاسی و انتخابات آزاد و منصفانه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

درسنامه (۱): کلیات انتخابات

مفهوم انتخابات

انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمانروایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت تدبیر شده است. از این دیدگاه انتخاب، به معنای گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی به کار برد.

وکالت در انتخابات

نظریه وکالت، الهام گرفته از حقوق خصوصی است، اما همین نظریه در چارچوب حقوق عمومی و برحسب طبیعت رابطه بین شهروند و نماینده، معنی و مفهوم جدیدی را به شرح زیر القا می‌کند:

- ۱- نمایندگی پارلمان، جنبه فردی و خصوصی ندارد. اعتبار این نمایندگی، به وسیله بخشی از جمعیت اعطا نشده است، بلکه هر نماینده سند مأموریت خود را از همه ملت دریافت می‌دارد، پس نماینده همه ملت محسوب می‌گردد.
- ۲- عمل انتخابات منجر به انعقاد قراردادی بین انتخاب‌کننده و انتخاب‌شونده نمی‌شود تا بتوان نماینده را که پدیده‌ای از حقوق عمومی است، همانند حقوق خصوصی تلقی کرد و هر لحظه نماینده را عزل نمود.

اجرای انتخابات

از دیدگاه اجرایی، انتخابات مشتمل بر مجموعه عملیاتی است که یا در قوانین و یا در آیین‌نامه‌های اجرایی، به طریقی پیش‌بینی شده است که کار رأی‌گیری، قرائت آرا، اعلام نتیجه، در نهایت سلامت، صحت و آزادی انتخابات سامان گیرد. یکی از ویژگی‌های انتخابات، گزینشی بودن آن است. به این معنا که هم نامزدی انتخابات در چهارچوب قانون آزاد است و هم رأی‌دهنده می‌تواند از میان نامزدهای مختلف اعلام شده، آزادانه، آنانی را که بیشتر با سلیقه او منطبق هستند، برگزیند. این نوع انتخابات را ریمون آرون «انتخابات متعارض» و هوریو «انتخابات مبارزه‌ای» می‌نامند و انتخابات را فقط با این شرایط، واقعی و آزاد تلقی می‌نمایند.

رأی

عملی تشریفاتی و حقوقی که شهروندان با انجام آن طبق ضوابط و شرایط قانونی به گزینش نماینده یا نمایندگان می‌پردازند را «رأی» می‌نامند. رأی‌دهنده ضمن این عمل حقوقی - سیاسی، در حقیقت با برگزیدن نماینده یا نمایندگان در اداره امور سیاسی مشارکت می‌کند.

📖 نکته ۱: درخصوص «رأی» دو نظریه وجود دارد: نظریه نخست؛ نظریه حق رأی است که رأی را یک نوع حق می‌داند و براساس نظریه حاکمیت مردم یا حاکمیت شکل گرفته است، نظریه دوم؛ نظریه کارویژه رأی است که حق را یک نوع تکلیف می‌داند و ناشی از اندیشه حاکمیت ملی است.

انواع رأی

انواع رأی عبارتند از:

- ۱- رأی فردی و رأی اجتماعی
- ۲- رأی برابر و رأی چندگانه
- ۳- رأی اختیاری و اجباری
- ۴- رأی وکالتی و رأی مکاتبه‌ای
- ۵- رأی علنی و رأی مخفی
- ۶- رأی تکنام و رأی چندنام
- ۷- لیست بسته و لیست باز

انواع حق رأی

۱- حق رأی محدود: شرایط محدودکننده در این حالت عبارتند از:

الف - شرط مالیاتی (داراگزینی)، ب - شرط شایستگی (شایسته گزینی)، ج - محدودیت جنسی، د - محدودیت نژادی.

۲- حق رأی همگانی: از لحاظ حقوقی انتخابات همگانی به انتخاباتی اطلاق می‌گردد که حق رأی بدون شرط محدودکننده مالیاتی یا شایستگی یا جنسی و یا نژادی متعلق به همه شهروندان باشد. محدودیت‌های انتخابات همگانی عبارتند از:

۱- تابعیت، ۲- شرط سنی، ۳- آمادگی روانی، ۴- اهلیت اخلاقی، ۵- محرومیت برخی از گروه‌ها.

کج مثال ۱: نظریه کارویژه‌ای رأی، ناشی از حاکمیت ... است. (سراسری ۸۴)

(۱) ملی (۲) مردم (۳) محدود (۴) تقسیم شده

پاسخ: گزینه «۱» نظریه کارویژه‌ای رأی "theorie - fonctionnelle" ناشی از اندیشه‌ی حاکمیت ملی است. بدین معنا که، اگر قدرت انتخاب کردن نمایندگان به یکایک شهروندان سپرده شده باشد نه از باب این است که خود اساساً صاحب این حق هستند بلکه با انجام یک عمل یا یک کارویژه عمومی در گزینش نمایندگان شرکت می‌جویند. اصل حاکمیت ملی است و در حقیقت شهروندان از اجزا و ارکان سازنده این حاکمیت محسوب می‌شوند.

کج مثال ۲: استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن متعاقب ظهور کدام نظریه می‌باشد؟ (سراسری ۹۱)

(۱) حاکمیت مردم (۲) حاکمیت ملی (۳) تفکیک قوا (۴) دموکراسی مستقیم

پاسخ: گزینه «۲» در ابتدای امر شیوه اجرای قدرت سیاسی به صورت مستقیم و دموکراسی مستقیم (حاکمیت مردم) اعمال می‌گردید، اما پس از تحولات علمی، سیاسی، اجتماعی و نیز گسترش وسعت سرزمینی و افزایش جمعیت گرایش به دموکراسی نمایندگی و حاکمیت ملی مدنظر قرار گرفت. در واقع استقرار حقوقی و سیاسی انتخابات در شکل نهایی آن متعاقب ظهور نظریه حاکمیت ملی شکل گرفت.

کج مثال ۳: نظریه رأی به مثابه تکلیف فرد ناشی از نظریه است. (سراسری ۹۲)

(۱) حاکمیت ملی (۲) حاکمیت مردمی (۳) حاکمیت تقسیم شده (۴) حاکمیت الهی

پاسخ: گزینه «۱» در خصوص رأی، دو نظریه وجود دارد: نظریه‌ی نخست؛ نظریه‌ی حق رأی است که رأی را یک نوع حق می‌داند و براساس نظریه‌ی حاکمیت مردم شکل گرفته است. نظریه‌ی دوم، نظریه‌ی کارویژه رأی است که حق را یک نوع تکلیف می‌داند و ناشی از اندیشه حاکمیت ملی است.

کج مثال ۴: رأی همگانی یعنی (دکتری ۹۲)

(۱) مجموعه آرای همه افراد جامعه در یک کشور

(۲) مجموعه آرای یک حزب با یک صنف در فعالیت سیاسی یک کشور

(۳) موافق بودن آرای مختلف همه شهروندان جامعه برای اداره کشور

(۴) حق رأی بدون شروط بدون محدود کننده جنسی یا نژادی متعلق به همه شهروندانی که به بلوغ سیاسی رسیده‌اند.

پاسخ: گزینه «۴» انتخابات همگانی از لحاظ حقوقی به انتخاباتی گفته می‌شود که حق رأی، بدون شرط محدودکننده مالیاتی یا شایستگی یا جنسی و یا نژادی متعلق به همه شهروندان باشد. البته، در انتخابات همگانی نیز محدودیت‌های گوناگونی وجود دارد که اهم آن‌ها عبارتند از: تابعیت، شرط سنی، آمادگی روانی، اهلیت اخلاقی و محرومیت برخی گروه‌ها.

کج مثال ۵: قاعده «یک شخص، یک رأی» در انتخابات، بیانگر کدام مفهوم است؟ (دکتری ۹۵)

(۱) تفوق نظریه حاکمیت مردمی بر حاکمیت ملی (۲) اصل برابری سیاسی

(۳) حاکمیت انفرادی (۴) تلفیق رویکرد اصالت فرد و اصالت جمع

پاسخ: گزینه «۲» حقوق اساسی به عنوان حقوق بنیادین، بر پایه مبانی و اصول شکل گرفته که با رعایت آن‌ها می‌توان گفت که در کشور مربوطه حقوق و آزادی‌های فردی تضمین و قدرت سیاسی کنترل و در چارچوب حقوق فطری قرار می‌گیرد. از جمله این اصول، اصل برابری سیاسی است که از کارویژه‌های آن قاعده یک شخص یک رأی در انتخابات است.



درسنامه (۲): احزاب سیاسی و نظام‌های انتخاباتی



حزب سیاسی به آن‌گونه سازمان سیاسی گفته می‌شود که در سطوح محلی و ملی زیر لوای دفاع از مردم، در قالب مسلک و مکتب مشخصی شکل می‌گیرد و شهروندان را براساس اصول مورد توافق یا منافع مورد دفاع خود گرد می‌آورند و متشکل می‌سازند، تا به اهداف اساسی خود که کسب قدرت و اجرای آن است، دست یابند. در واقع خاستگاه حزب، جامعه مدنی است و در صورت موفقیت در کسب قدرت، به نهادهای حاکمیتی راه می‌یابد، تا اعمال قدرت نماید. فواید وجود احزاب در انتخابات عبارتند از:

- ۱- جلوگیری از بین رفتن نیروهای پراکنده، بی‌شکل و نامتحرک.
- ۲- با محدود شدن عملی تعداد نامزدهای انتخابات به نامزدهای حزبی، قدرت آرا مردم کمتر شکسته و خرد خواهد شد و برنده انتخابات، قاعدتاً دارای تعداد بیشتری آرا خواهد بود، تا بتواند آرا واقعی‌تر نماینده ملت به شمار آید.
- ۳- مردم رأی‌دهنده غیرحزبی نیز می‌توانند با مقایسه برنامه‌های احزاب از استنتاج‌های ناپخته و مبارزه‌های بی‌برنامه اجتناب و به جای گزینش از میان انبوهی از اندیشه‌ها و روش‌های بی‌شکل، از خلال نظام‌های نظری موجود یکی را انتخاب نمایند.

نکته ۲: نظام‌های انتخاباتی حزبی

معمولاً یکی از دو نظام انتخاباتی زیر در انتخابات اجرا می‌شود:

۱- نظام اکثریتی:

در این حالت، معیار پیروزی در انتخابات کسب بیشترین تعداد رأی است که به دو صورت اکثریت نسبی و مطلق اعمال می‌گردد. در اکثریت نسبی، بیشترین آرا معیار است و در اکثریت مطلق معیار پیروزی کسب نصف به اضافه‌ی یک آرا است.

۲- نظام تناسبی:

در این حالت، احزاب لیست‌های باز و یا بسته (که رأی‌دهنده حق اضافه یا کم کردن را ندارد) را معرفی می‌نمایند و هر حزب به نسبت رأیی که کسب می‌کند صاحب کرسی در پارلمان می‌شود.

انواع نظام‌های حزبی

۱- نظام تک‌حزبی: مانند کشورهای کمونیستی سابق و یا حزب بعث در عراق و سوریه.

ویژگی‌ها و مشخصات کلی این احزاب:

- یک حزب به تنهایی نشانگر اراده و کلیت مردم است،
- عدم اجازه به وجود و فعالیت‌های احزاب دیگر؛
- عدم وجود رقابت‌های انتخاباتی؛
- انحصار رأی دادن فقط برای نامزدهای حزب حاکم.
- عدم معنای واقعی انتخابات؛
- عدم تحمل افکار و اندیشه‌های گروه‌های مخالف؛
- رأی دادن به معنی تأیید نقشه‌های حزب حاکم؛

۲- نظام دوحزبی: مانند آمریکا که مهم‌ترین عامل ثبات نظام سیاسی این کشور نیز محسوب می‌شود.

مشخصات کلی این احزاب:

- جریان‌های سیاسی در دو سازمان بزرگ متشکل می‌شوند؛
- جابجایی قدرت بین دوحزب سیاسی؛
- سهولت در کار گزینش رأی‌دهندگان؛
- بازبودن راه برای سایر احزاب؛

۳- نظام چندحزبی: مانند اکثر کشورهای اروپایی.

مشخصات کلی:

- تبلور گرایش‌های سیاسی در چند سازمان سیاسی؛
- حکومت‌های ائتلافی از احزاب مختلف؛
- عدم به دست آوردن اکثریت پارلمانی؛
- ناپایداری حکومت‌ها؛
- گستردگی طیف انتخاب برای رأی‌دهندگان و پیچیده شدن امر گزینش برای آن‌ها.



کج مثال ۶: در نظام انتخاباتی تناسبی:

(سراسری ۸۶)

۱) هر حزب و گروه سیاسی می‌تواند به نسبت آرای کسب نموده، صاحب کرسی شود.

۲) فقط حزب اکثریت به تناسب آرای کسب نموده، صاحب کرسی می‌شود.

۳) احزاب اقلیت به تناسب آرای کسب نموده در دولت حضور دارند.

۴) احزاب اقلیت در دولت حضور دارند و ثبات دولت بیشتر است.

پاسخ: گزینه «۱» نظام انتخاباتی تناسبی به نظامی اطلاق می‌شود که هر حزب یا گروه سیاسی می‌تواند به نسبت آرای کسب شده در انتخابات صاحب

کرسی در مجلس شود.

شایان ذکر است در این‌گونه نظام‌های انتخاباتی، کسب حداقل آرا موجب راه‌یابی نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی به پارلمان خواهد بود، در غیر این صورت نمی‌توانند نمایندگانی در پارلمان داشته باشند.



کج مثال ۷: کدام یک در زمره نهادهای غیرفرمانروا، قلمداد می‌شود؟

(سراسری ۹۰)

۱) وزارتخانه‌ها ۲) محاکم دادگستری ۳) احزاب ۴) شوراهای محلی

پاسخ: گزینه «۳» احزاب، نهادهای سیاسی در حوزه‌ی جامعه‌ی مدنی می‌باشند و نه نهادهای فرمانروا و بعد از پیروزی در انتخابات، می‌توانند وارد

نهادهای حاکمیتی گردند.



کج مثال ۸: رابطه احزاب سیاسی با نظام انتخاباتی، در حقوق اساسی چگونه است؟

(سراسری ۹۴)

۱) نظام انتخاباتی مبتنی بر نظام حزبی، از ثبات بیشتری برخوردار است.

۲) در نظام انتخاباتی اکثریتی مطلق، احزاب سیاسی عامل اصلی ترکیب فکری نمایندگان خواهند بود.

۳) احزاب سیاسی همزمان با آیین‌های انتخاباتی ظاهر شده‌اند.

۴) احزاب سیاسی عامل اصلی طبقه‌بندی نظام‌های انتخاباتی هستند.

پاسخ: گزینه «۳» با توجه به اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به

مبانی اسلام نباشد آزاد است.



کج مثال ۹: نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری فرانسه، با کدام مورد منطبق است؟

(سراسری ۹۵)

۱) با رأی عمومی و مستقیم ملت و با اکثریت مطلق آرا

۲) با رأی اکثریت مطلق مجلس ملی و مجلس سنا

۳) اکثریت نسبی دومرحله‌ای و رأی مستقیم ملت

۴) انتخابات دودرجه‌ای و با اکثریت مطلق

پاسخ: گزینه «۱» رئیس‌جمهور فرانسه با رأی عمومی و مستقیم ملت و با اکثریت مطلق آراء انتخاب می‌شود.



کج مثال ۱۰: در نظام تناسبی، از کدام مورد برای تعیین برندگان هر لیست، استفاده نمی‌شود؟

(دکتری ۹۷)

۱) معیار واحد ۲) ضریب انتخاباتی ۳) معیار منطقه‌ای ۴) ضریب ملی

پاسخ: گزینه «۳» در نظام انتخاباتی تناسبی برای تعیین برندگان لیست‌ها، از ضریب انتخاباتی، معیار واحد و ضریب ملی استفاده می‌شود و معیار

منطقه‌ای کاربردی ندارد.



درسنامه (۳): انتخابات آزاد و منصفانه و تکالیف دولت‌ها



امروزه جدیدترین و حقوق بشری‌ترین رویکرد در حقوق اساسی، انتخابات آزاد و منصفانه است. اصول و معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه را براساس اعلامیه «معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه»، مصوب اتحادیه بین‌المجالس، می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود؛ معیارهایی که در عین سادگی و مشخص بودن، نقش اراده‌ی مردم را در تعیین سرنوشتشان تضمین می‌نمایند.

تعریف انتخابات آزاد و منصفانه

در هر کشور، اقتدار دولت تنها می‌تواند از اراده‌ی مردم منبعث گردد، مردمی که در انتخابات واقعی، آزاد و منصفانه و در ادوار منظم با رأی‌گیری فراگیر، مساوی و مخفیانه شرکت می‌کنند.

حقوق رأی‌دهی و انتخاباتی

هر شهروند که به سن قانونی رسیده باشد (شهروند بالغ)، حق دارد که بدون تبعیض از حق رأی دادن در انتخابات برخوردار باشد. هر شخصی که از حق رأی یا حق ثبت‌نام به‌عنوان رأی‌دهنده محروم شده است، حق دارد به مراجع صالحه دادخواهی کند تا تصمیم متخذه درباره وی را مورد بررسی قرار دهد و هرگونه اشتباهی را فوراً و به طور مؤثر تصحیح نماید. حق رأی دادن به‌صورت مخفی، مطلق است و به هیچ وجه نباید محدود گردد.

حقوق و تکالیف نامزدی، حزبی و مبارزاتی

هرکس حق دارد که در اداره‌ی کشور مشارکت کند و از موقعیت مساوی برای نامزد شدن در انتخابات برخوردار باشد. در این راستا، شخص حق دارد که به منظور مبارزه‌ی انتخاباتی، به حزب یا سازمان سیاسی وارد شود، یا همراه دیگران حزب یا سازمان سیاسی تشکیل دهد. همچنین هرکس منفرداً یا مجتمعاً با دیگر افراد حق دارد:

- دیدگاه‌های سیاسی خود را بدون بیم و نگرانی ابراز نماید؛ - درصدد یا در مقام دریافت یا مبادله‌ی اطلاعات باشد و به انتخابی آگاهانه مبادرت ورزد؛
- برای مبارزات انتخاباتی در کشور، آزادانه رفت و آمد کند؛ - بر مبنای مساوی، با دیگر احزاب سیاسی از جمله حزب تشکیل‌دهنده‌ی دولت حاکم، به مبارزه‌ی انتخاباتی بپردازد.
- هر نامزد انتخاباتی و هر حزب سیاسی باید برای دسترسی به رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های ارتباط جمعی، از موقعیت مساوی با نامزدهای احزاب دیگر برخوردار باشد تا دیدگاه‌های سیاسی خود را ارائه نماید و حق امنیت جانی و مالی هر نامزد انتخاباتی باید شناخته و تأمین گردد. هر فرد و حزب سیاسی حق تأمین و حمایت قانونی دارد و حق دارد در موارد نقض حقوق سیاسی و انتخاباتی از جبران خسارت قانونی برخوردار شود.
- حقوق نامزدهای انتخاباتی به شرحی که گذشت، تنها می‌تواند تابع محدودیت‌هایی استثنایی گردد که به موجب قانون تعیین شده‌اند و در هر جامعه‌ی دموکراتیک به علت مسائل امنیت ملی یا نظم عمومی، یا حمایت از بهداشت، اخلاق عمومی، یا حقوق و آزادی‌های دیگران، ضروری و معقول‌اند؛ مشروط بر اینکه این محدودیت‌ها با تعهدات جهانی کشورها در زمینه‌ی احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تعارضی نداشته باشند. محدودیت‌های مجاز نسبت به حق نامزد شدن در انتخابات، ایجاد و فعالیت احزاب سیاسی و حقوق مبارزاتی نباید به گونه‌ای اعمال شوند، که ناقض اصول عدم تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب یا دیدگاه سیاسی یا غیر سیاسی، منشأ اجتماعی یا ملی، مالکیت، تولد یا هر وضعیت دیگر باشند.
- هر فرد یا حزب سیاسی در مقابل حقوق نامزدی، حزبی و انتخاباتی خود، تکالیفی نیز در مقابل جامعه دارد، به ویژه که هیچ نامزد یا حزب سیاسی نباید خشونت بورزد؛ همچنین، هر نامزد و حزب سیاسی که در انتخابات شرکت می‌کند باید حقوق و آزادی‌های دیگران را محترم شمارد و نتیجه‌ی انتخابات آزاد و منصفانه را بپذیرد.

حقوق و تکالیف کشورها (دولت‌ها)

دولت‌ها باید چارچوبی نهادین برای انتخابات ادواری، واقعی، آزاد و منصفانه تضمین نمایند. از جمله اینکه یک سازوکار بی‌طرفانه، مستقل و متعادل برای مدیریت انتخابات فراهم کنند. به عنوان مثال باید مطمئن شوند که مسئولان امور مختلف انتخابات، آموزش‌دیده هستند و بی‌طرف عمل می‌کنند و یا اینکه اعتبار روند شمارش آرا را تضمین نمایند. در جهت احترام به حقوق انسانی همه‌ی افراد، دولت‌ها باید در زمان انتخابات تضمین کنند که: آزادی رفت و آمد، انجمن‌ها، تجمعات و بیان، به ویژه در قالب راهپیمایی و تجمعات سیاسی، محترم شمرده می‌شوند؛ احزاب و نامزدها دیدگاه‌های خود را آزادانه به انتخاب‌کنندگان منتقل کنند و از دسترسی یکسان به رسانه‌های دولتی و عمومی برخوردار شوند؛ اقدامات لازم برای تضمین پوشش بی‌طرفانه انتخابات در رسانه‌های دولتی و عمومی انجام گیرد.

برای انجام انتخابات منصفانه، دولت‌ها باید اقدامات لازم را جهت حصول اطمینان از اینکه احزاب و نامزدها از فرصت‌های معقول برای ارائه مواضع انتخاباتی خود برخوردار هستند، به عمل آورند. علاوه بر این، مقامات حکومتی باید تضمین کنند که رأی‌گیری بدون هرگونه تقلب یا دیگر اقدامات غیرقانونی انجام می‌پذیرد و امنیت، صحت و اعتبار روند رأی‌گیری حفظ می‌شود و همچنین تضمین نمایند که شمارش آرا، مشروط به نظارت و بازبینی بی‌طرفانه است که توسط افراد آموزش‌دیده صورت می‌گیرد. برای اطمینان از شفافیت کل روند انتخاباتی، از طریق حضور نمایندگان احزاب و ناظران معتبر مجاز، باید اقدام لازم و مناسب به عمل آید. در نهایت اینکه، دولت‌ها باید تضمین نمایند که موارد نقض حقوق بشر و شکایات راجع به روند انتخاباتی، به‌صورت فوری و در چارچوب محدوده‌ی زمانی جریان انتخابات، به طور مؤثر توسط مقامی مستقل و بی‌طرف مانند کمیسیون انتخاباتی یا دادگاه‌ها، رسیدگی و احراز می‌شوند.

کج مثال ۱۱: تصویب «اصول و معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه» محصول و نتیجه اعلامیه کدام نهاد بین‌المللی است؟ (تست تألیفی)

- ۱) مجمع عمومی سازمان ملل متحد
- ۲) اتحادیه بین‌المجالس
- ۳) کمیسیون حقوق بین‌الملل
- ۴) شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد

پاسخ: گزینه «۲» اعلامیه اصول و معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه توسط اتحادیه بین‌المجالس به تصویب رسید که در واقع معیارهایی را تعیین نموده که نقش اراده مردم را در تعیین حق سرنوشت خود تضمین می‌کند.



مدرسان شریف

فصل ششم

«مبانی و کلیات نظام جمهوری اسلامی ایران»

درسنامه (۱): زمینه‌های اجتماعی و فکری



با شروع جنبش مشروطیت در ایران، طرح مطالبات مردمی در برابر حکومت، در قالب شعارهایی مدرن ساماندهی گردید که از آن جمله می‌توان از تصویب قانون اساسی نام برد که حرکتی برای قانونمند کردن جامعه و محدودیت‌های حاکم بر قدرت سیاسی و صیانت از حقوق و آزادی‌های مردم، متناسب با ساختار اقتصادی - اجتماعی آن زمان ایران بود.

دیدگاه‌های فکری حاکم بر علمای دوره مشروطیت را در اندیشه‌های علامه نائینی و شیخ فضل‌الله نوری می‌توان بازشناسی کرد. نائینی در سال ۱۳۲۷ با تألیف رساله‌ی «تنبیه الامه و تنزیه المله» به طرفداری از مبانی نظریه مشروطه و تطبیق آن با موازین اسلام پرداخت که این اثر مورد تأیید آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی نیز قرار گرفت و آیت‌الله سید محمود طالقانی نیز بر چاپ آن در دوران معاصر، مقدمه و توضیحاتی نوشته است. به طور خلاصه علامه نائینی، بهترین حکومت را در غیاب امام معصوم، حکومت اکثریت مردم می‌دانست. اما در نقطه‌ی مقابل ایشان، شیخ فضل‌الله نوری معتقد به مشروطه مشروعه بود و قانون اساسی را دستور ملعون و ضلالت‌نامه می‌نامید.

در نهایت براه مبارزات مردمی، در سال ۱۲۸۵ شمسی برابر با ۱۳۲۴ قمری، قانون اساسی مشروطه مشتمل بر ۵۱ اصل به تصویب رسید و متمم آن نیز در ۱۰۷ اصل در سال ۱۳۲۵ قمری برابر ۱۲۸۶ خورشیدی مصوب دوره اول مجلس شورای ملی گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ایران به جمهوری اسلامی رأی داده و برای تدوین قانون اساسی نظام سیاسی جدید، با رأی مستقیم، نمایندگان را برگزیدند که منجر به تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی گردید.

مجلس خبرگان قانون اساسی در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با عضویت ۷۲ نماینده و با تشکیل ۶۷ جلسه علنی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مشتمل بر ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل تنظیم نمود و در همه‌پرسی ۱۱ و ۱۲ آذر ۵۸ به تصویب اکثریت مردم ایران رساند. در بازنگری و همه‌پرسی قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل گردید که مهمترین مرجع حقوق اساسی نظام سیاسی کشور محسوب می‌شود.

نکته ۱: مقدمه قانون اساسی دارای ارزش حقوقی نیست، اما زمینه‌ساز اصول قانون اساسی است. تفاسیر قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس و قوانین خاص و سازمان‌دهنده نظیر قانون انتخابات و احزاب که بر اساس قانون اساسی وضع می‌گردند و قانون و آیین‌نامه مربوط به خبرگان رهبری، نیز منابعی هستند که از قانون اساسی منشعب می‌گردند.

(سراسری ۹۰)

مثال ۱: اولین قانون اساسی در ایران چگونه و با چه شیوه‌ای به تصویب رسید؟

(۱) به پیشنهاد مجلسین و به تصویب شاه رسید.

(۲) به صورت لایحه دولت تقدیم مجلس اول گردید و به تصویب رسید.

(۳) مجلس شورای ملی در دوره دوم لایحه آن را بررسی و به تصویب رسانید.

(۴) در دوره اول مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

پاسخ: گزینه «۴» مجلس دوره اول مشروطیت، از آن جهت که تصویب متمم قانون اساسی را انجام داد، به منزله قوه مؤسسان کشور محسوب

می‌شده است.



مدرسان شریف

فصل هفتم

«رهبری»

درسنامه (۱): مبانی نظری



در بخش مبانی نظری نهاد رهبری، ابتدا تأسیس حقوقی این نهاد بررسی می‌گردد، سپس با توجه به اینکه نظریه فقهی ولایت فقیه، پشتوانه فقهی این نهاد است، به بیان نظریات مختلف نیز پرداخته می‌شود.

تأسیس حقوقی

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت برعهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد (اصل ۵ قانون اساسی).

بنابراین تأسیس نهاد ولایت فقیه در اصل ۵ قانون اساسی صورت حقوقی به خود گرفته و تعبیر ولایت امر و امامت امت که در چندین مورد در قانون اساسی آمده است، از منظر حقوقی، ناظر به نهاد رهبری است. اولین بار طرح ولایت فقیه در قانون اساسی، به وسیله امام خمینی مطرح گردید. مطابق این نظریه، در زمان غیبت امام معصوم، رهبری جامعه اسلامی باید در دستان فقیه عادل و واجد شرایط باشد تا ضامن اجرای احکام اسلامی و حرکت جامعه در راستای تعلیمات و آموزه‌های فقهی اسلام گردد. این نظریه برخلاف نظریه جدایی دین و سیاست، وحدت بین سیاست و دین را مطرح می‌کند و متولی حکومت اسلامی را به عنوان شعبه‌ای از ولایت پیامبر و امامان معصوم شیعه در زمان غیبت، حکومت فقها تعریف می‌نماید. البته باید توجه نمود که رهبری یک تکلیف و مسئولیت دینی است و مطابق قانون اساسی از لحاظ شخصی، رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است (ذیل اصل ۱۰۷ قانون اساسی). بنابراین از لحاظ موقعیت رسمی، رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور در سطح داخلی است و از لحاظ موقعیت شخصی و مسئولیت حقوقی با سایر افراد کشور در برابر قوانین برابر است. از منظر مسئولیت سیاسی، رهبر در برابر مجلس خبرگان مسئول است و هرگاه شرایط لازم برای اعمال رهبری را نداشته یا از دست بدهد، به تشخیص خبرگان عزل می‌گردد؛ همچنین از منظر مسئولیت مالی، رئیس قوه قضائیه بر داری‌های رهبر، همسر و فرزندان ایشان نظارت دارد.

ولایت مطلقه فقیه از دید امام خمینی

نظر به اینکه تأسیس اصل ولایت مطلقه فقیه در نظام حقوقی ایران، متأثر از فتوای تعیین‌کننده امام خمینی است، این فتوای مؤسس ارائه می‌شود تا درک بهتری نسبت به این تأسیس حقوقی، از دید فقهی مؤسس نظریه ولایت فقیه حاصل گردد.

در نامه مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۱۶ امام خمینی خطاب به ریاست جمهوری وقت چنین آمده است:

«اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید غرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام (ص) یک پدیده بی‌معنا و محتوا باشد. اشاره می‌کنم به پیامدهای آنکه هیچ‌کس نمی‌تواند ملتزم به آن‌ها باشد؛ مثلاً خیابان‌کشی‌ها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعی نیست، نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری ورود یا خروج هر نوع کالا و منع احتکار در غیر دو سه مورد و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گران‌فروشی، قیمت‌گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدر و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل سلاح به هر نوع که باشد و صدها امثال آنکه از اختیارات دولت است بنا به تفسیر شما خارج است و صدها امثال اینها. باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی حتی نماز و روزه و حج است.

حاکم می‌تواند، مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند، حاکم می‌تواند، مساجد را موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی را که ضرر باشد در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن، مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است در موقعی که مخالف مصالح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند» (صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۱۷۰-۱۷۱).

(دکتری ۹۷)

کج مثال ۱: فرایند عزل رئیس‌جمهور به دلیل تخلف از وظایف قانونی ریاست جمهوری چیست؟

- ۱) مصوبه مجلس شورای اسلامی و تأیید دیوان عالی کشور
- ۲) مصوبه مجلس شورای اسلامی و موافقت مقام رهبری
- ۳) حکم دادگاه عمومی تهران و تأیید دیوان عالی کشور
- ۴) حکم دیوان عالی کشور و موافقت مقام رهبری

پاسخ: گزینه «۴» اصل ۱۱۰ قانون اساسی: «وظایف و اختیارات رهبر: ... بند ۱۰- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، ...»



درسنامه (۲): خبرگان و تعیین رهبری



طبق بیان قانون اساسی، پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی "قدس سره‌الشریف" که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقهاء واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را برعهده خواهد داشت (اصل ۱۰۷ قانون اساسی). قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهاء اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب گردد و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد، از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است (اصل ۱۰۸ قانون اساسی). اولین قانون خبرگان به وسیله فقهای شورای نگهبان در مورد تعداد و شرایط آنها در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۰ به تأیید امام خمینی رسید. مطابق این قانون، اعضای خبرگان به وسیله مردم با توجه به جمعیت هر استان با اکثریت نسبی شرکت‌کنندگان و به صورت مستقیم و مخفی، برای مدت هشت سال انتخاب می‌شوند و فعلاً تعداد آنها ۸۶ نفر است. شرایط انتخاب شوندگان برای مجلس خبرگان رهبری عبارتند از:

۱- اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

۲- اشتهار به دیانت، وثوق و شایستگی اخلاقی؛

۳- اجتهاد در حدی که قدرت استنباط برخی مسائل فقهی را داشته باشند و توانایی تشخیص ولی فقیه واجد شرایط را داشته باشند؛

۴- دارا بودن بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی به مسائل روز؛

۵- نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی.

مرجع تشخیص صلاحیت خبرگان رهبری، فقهای شورای نگهبان هستند.

قانون مذکور (قانون انتخابات، تعداد و شرایط خبرگان) شرط توطن و تولد را ضروری ندانسته است.

مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس خبرگان، به منظور آمادگی خبرگان برای اجرای اصل یکصد و هفتم و شناخت حدود و شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم قانون اساسی، کمیسیونی مرکب از ۱۵ نفر از نمایندگان تشکیل می‌شود تا درباره‌ی همه‌ی مسائل مربوط تحقیق کند... تا مورد استفاده و بررسی خبرگان واقع شود. همچنین، هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند، در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورای مرکب از رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگر به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها، در شورا به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضا مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود (اصل ۱۱۱ قانون اساسی).

کلمه مثال ۲: آیا مجلس خبرگان رهبری می‌تواند اقدام به قانون‌گذاری نماید؟ (دکتری ۹۴)

(۱) خیر، مگر با نظر و تأیید شورای نگهبان

(۲) بلی، فقط در امور مربوط به رهبری

(۳) بلی، فقط در خصوص مسائل مربوط به وظایف خبرگان

(۴) خیر، اختیار قانون‌گذاری صرفاً با مجلس شورای اسلامی است.

پاسخ: گزینه «۳» اختیار قانون‌گذاری طبق قانون با مجلس شورای اسلامی است، اما موارد استثنایی وجود دارد که یکی از آن‌ها مربوط به مجلس خبرگان رهبری است که در خصوص مسائل مربوط به خود حق قانون‌گذاری دارد (در این خصوص اصل ۱۰۸ قانون اساسی مقرر کرده است: ... هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان رهبری در صلاحیت خود آنان است).

کلمه مثال ۳: طبق قانون اساسی، قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، پس از دوره اول در صلاحیت کدام نهاد است؟ (دکتری ۹۴)

(۱) شورای نگهبان

(۲) مجلس خبرگان

(۳) مجلس شورای اسلامی

(۴) شورای نگهبان با تأیید خبرگان

پاسخ: گزینه «۲» طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه‌ی داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است.



مدرسان شریف

فصل هشتم

«قوه مقننه»

قانون، مظهر اراده‌ی عام جامعه است و این مهم با انتخاب نمایندگان مردم در پارلمان (قوه مقننه) تحقق می‌یابد. نمایندگان مردم در پارلمان از طرف جامعه و کالت دارند تا نسبت به وضع قانون اقدام نمایند. پارلمان ممکن است از یک یا دو مجلس تشکیل شود و به دستگامی اطلاق می‌شود که کارویژه‌ی اصلی آن وضع قانون یا قواعد کلی است که لازم‌الاجرا است. لذا دو وظیفه عمده قوه مقننه عبارت از قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین است.

درسنامه (۱): کلیات مجلس

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد (اصل ۶۲ قانون اساسی).

انتخاب‌کنندگان باید تابع جمهوری اسلامی ایران، ۱۸ سال تمام و عاقل باشند.

شرایط نامزدهای انتخابات مجلس (انتخاب‌شوندگان)، باید براساس آخرین قانون انتخابات مصوب مطالعه گردد. معمولاً از جمله‌ی این شرایط عبارتند از: ایرانی بودن، اعتقاد و التزام به اسلام (یا اقلیت‌های دینی رسمی کشور)، وفاداری به قانون اساسی، نداشتن سوءشهرت، سلامت جسمانی، سن بین ۳۰ تا ۷۵ سال، و شرایط تحصیلی مانند حداقل مدرک فوق‌دیپلم و یا کارشناسی و کارشناسی‌ارشد و یا عدم نامزدی در بیش از یک حوزه‌ی انتخاباتی، در غیر این‌صورت نامزدی آن‌ها کلاً باطل می‌گردد. عدم وابستگی به رژیم سابق و احزاب غیرقانونی، ملزم محرومیت از حقوق اجتماعی بنا به حکم دادگاه، عدم تصدی به مناصب عالی قوای مجریه و قضائیه و معاونین و مشاورین آن‌ها، اعضای شورای نگهبان و ... (ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی اصلاحی ۱۳۸۶/۱/۲۶) و غیره.

تبلیغات مربوط به انتخابات تا ۲۴ ساعت قبل از روز اخذ رأی ادامه خواهد داشت و ممنوعیت قانونی از طریق رسانه‌های عمومی و دولتی و همچنین تبلیغ علیه داوطلبان دیگر وجود دارد.

سایر شرایط و مسائل مربوط به هیئت اجرایی انتخابات مجلس، باتوجه به تغییراتی که در مقاطع زمانی در قانون ایجاد می‌شود، باید در آخرین اصلاح قانون مصوب انتخابات مورد مطالعه قرار گیرد (قابل دسترسی در سایت مجلس).

دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود، به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد (اصل ۶۳ قانون اساسی). تجدید انتخابات نمایندگان برای دوره‌های متعدد بلامانع است.

عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یک هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن‌ها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند (اصل ۶۴ قانون اساسی).

نظام انتخاباتی در ایران به صورت مستقیم با رأی مخفی صورت می‌گیرد و چنانچه در مرحله اول با اکثریت نسبی حداقل یک چهارم، نمایندگان انتخاب نگردند، در مرحله دوم با اکثریت نسبی به هر میزان انتخاب می‌گردند، در صورت تساوی آرای ۲ یا چند نامزد ملاک انتخاب، قرعه می‌باشد.

نظارت بر انتخابات مجلس در ایران، به صورت مضاعف (دوگانه) انجام می‌پذیرد. اولاً شورای نگهبان بر انتخابات نظارت می‌کند، ثانیاً نمایندگان مجلس، پس از تشکیل مجلس، اعتبارنامه نمایندگان منتخب را تأیید می‌کنند.

بنابر قانون اساسی، تنها شرایط توقف انتخابات در حالتی است که در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان (از باب نظارت بر انتخابات و نه نظارت بر مصوبات مجلس) از انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد (اصل ۶۸ قانون اساسی).



کج مثال ۱: به موجب قانون اساسی، کشور نباید در هیچ زمان بدون باشد. (سراسری ۸۳)

(۱) مجلس (۲) شوراهای محلی (۳) هیئت وزیران (۴) رئیس قوه قضائیه

پاسخ: گزینه «۱» مطابق اصل ۶۳ قانون اساسی، «دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که، کشور هیچ زمان بدون مجلس نباشد».

کج مثال ۲: قوه مقننه در ایران: (سراسری ۸۶)

(۱) در هیچ زمانی نمی تواند تعطیل باشد. (۲) در عموم مسائل می تواند قانون وضع کند.

(۳) حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند. (۴) حق تحقیق و تفحص در برخی امور کشور را دارد.

پاسخ: گزینه «۱» مطابق قسمت اخیر اصل ۶۳ قانون اساسی، که مقرر می دارد: «انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره ی قبل برگزار شود به طوری که، کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد».

کج مثال ۳: آیا در دوران جنگ و شرایط اضطراری، اعلام حکومت نظامی در جمهوری اسلامی ایران مجاز است؟ (سراسری ۸۹)

(۱) خیر، هرگز. (۲) بله، به مدت یک ماه با تصویب مجلس.

(۳) بله، با پیشنهاد هیئت دولت و تصویب مجلس. (۴) خیر، مگر به درخواست رئیس جمهور و تصویب مجلس به مدت یک ماه.

پاسخ: گزینه «۱» مطابق اصل ۷۹ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت های ضروری را برقرار نماید».

کج مثال ۴: در ایران تأیید توقف انتخابات در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور با است. (سراسری ۹۳)

(۱) رهبری (۲) مجمع تشخیص مصلحت نظام

(۳) مجلس شورای اسلامی (۴) شورای نگهبان

پاسخ: گزینه «۴» طبق اصل شصت و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

کج مثال ۵: مسیحیان آشوری و کلدانی، چند کرسی نمایندگی در مجلس شورای اسلامی دارند؟ (دکتری ۹۶)

(۱) هر کدام دو نماینده (۲) هر کدام یک نماینده (۳) مجموعاً دو نماینده (۴) مجموعاً یک نماینده

پاسخ: گزینه «۴» برابر اصل ۸۴ قانون اساسی، زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنه جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می کنند.

کج مثال ۶: نظریه کارویژه های رأی، ناشی از کدام اندیشه حاکمیت است؟ (سراسری ۹۷)

(۱) تقسیم شده (۲) ملی (۳) طبقاتی (۴) الهی

پاسخ: گزینه «۲» نظریه «کارویژه های رأی» ناشی از اندیشه حاکمیت ملی است. ملت، کلیتی است و حاکمیت متعلق به این کلیت یعنی ملت است نه شهروندانی که جزو عوامل سازنده آن هستند. لذا، ملت می تواند و مختار است که قدرت انجام این عمل حقوقی را به هر کس که مایل باشد، اعطا کند مثلاً به بهترین و شایسته ترین افراد نه به همه شهروندان.

کج مثال ۷: کدام مورد در خصوص نماینده مسیحیان در مجلس شورای اسلامی، صحیح است؟ (دکتری ۹۷)

(۱) مسیحیان ارمنی جنوب و شمال، مجموعاً یک نماینده انتخاب می کنند.

(۲) نمایندگان مسیحی، تنها حق اظهار نظر در مورد مسائل مسیحیان را دارند.

(۳) نمایندگان مسیحی، نماینده حوزه های انتخابیه ای هستند که جمعیت مسیحی در آن ها اکثریت را دارند.

(۴) نمایندگان مسیحی در برابر تمام ملت مسئول هستند و حق اظهار نظر در عموم مسائل داخلی و خارجی را دارند.

پاسخ: گزینه «۴» اصل ۸۴ قانون اساسی: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید».

درسنامه (۲): نمایندگی مجلس

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر، سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضا نمایند.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

"من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آن‌ها را مدنظر داشته باشم."

نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به جای آورند (اصل ۶۷ قانون اساسی). هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید (اصل ۸۴ قانون اساسی). بنابراین نمایندگی عام و ملی است یعنی برای تمام ملت است و اختصاص به حوزه‌ی خاصی ندارد. همچنین نمایندگی، کلی است یعنی نمایندگان دارای صلاحیت اختیاری هستند و بنابر تشخیص خود به اظهار نظر و رأی می‌پردازند و ملزم به اجرای نظرات مردم به طور خاص نیستند.

بنابراین در ایفای وظایف نمایندگی، بحث عدم مسئولیت نمایندگان به صورت زیر مطرح می‌گردد:

مصونیت نمایندگان جهت آرامش و آزادی عمل آن‌ها، در امور مربوط به نمایندگی است و نمایندگان در برابر دیگر نهادها به خاطر اظهار نظر و رأی در مجلس مسئولیتی ندارند که از لحاظ زمانی، تنها مربوط به زمان نمایندگی نیست (یعنی بعد از اتمام دوره‌ی نمایندگی نیز نمی‌توان از آن‌ها به خاطر اعمال پارلمانی بازخواست نمود) و از لحاظ موضوعی فقط شامل اعمال پارلمانی با هدف پارلمانی می‌شود. در عین حال فقدان مصونیت کیفری و عدم شمول مصونیت برای کردارها و گفتارهای خصوصی و توهین‌آمیز نمایندگان وجود دارد.

حقوق و مزایای نمایندگی در هر دوره مشخص می‌شود، نمایندگان در دوره‌ی نمایندگی موظف به حضور در جلسات مجلس هستند، تأخیر حضور و خروج از جلسات به طور غیرموجه موجب توبیخ نمایندگان می‌شود، غیبت غیرموجه آن‌ها نیز موجب عدم تعلق حقوق می‌گردد. غیبت بیش از ۱۰۰ ساعت متوالی و ۲۵۰ ساعت غیرمتوالی از وقت رسمی جلسات مجلس، یک سال غیبت بدون عذر موجه در کمیسیون، ناتوانی جسمی و یا بیماری بیش از ۴ ماه در یک سال غیبت غیر موجه است و به درخواست ۳۰ نفر از نمایندگان و تصویب دوسوم از نمایندگان حاضر موجب عزل نماینده می‌شود. تعطیلات تابستانی به مدت ۲۰ الی ۳۰ روز در سال و یک ماه مرخصی با حقوق است و خانواده نماینده نیز در مقابل حوادث خطیر نمایندگی تحت حمایت قانونی هستند. استعفای اعلام شده به وسیله نماینده باید دارای دلیل موجه و به تصویب مجلس از طریق اکثریت مطلق حاضرین در جلسه‌ی رسیدگی به استعفای نماینده، برسد. هرگاه تقاضای استعفای تعدادی از نمایندگان به نحوی باشد که مانع تشکیل جلسه‌ی رسمی شود، قابل طرح در مجلس نیست.

سازماندهی امور مجلس

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان، رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است (اصل ۶۵ قانون اساسی).

به محض افتتاح مجلس، مسن‌ترین نماینده، رئیس می‌شود که اداره جلسه افتتاحیه، انجام مراسم تحلیف، اجرای انتخابات هیئت رئیسه و انتخابات شعب موقت را برعهده دارد. هیئت رئیسه موقت در دومین جلسه علنی مجلس با رأی اکثریت نسبی انتخاب می‌شود و اداره جلسات مجلس تا زمان تأیید اعتبارنامه دو سوم نمایندگان، اجرای انتخابات هیئت رئیسه دائم و تمشیت امور اداری مجلس را برعهده دارد. هیئت رئیسه دائم با اکثریت مطلق نمایندگان انتخاب می‌شود، در غیر این صورت با اکثریت نسبی انتخاب می‌گردد که وظیفه او ریاست و اداره امور مجلس است.

کمیسیون‌های مجلس، با در نظر گرفتن وظایف کلی مجلس به صورت‌های خاص، موقت و دائم ایجاد می‌شود. عضویت نمایندگان در کمیسیون‌های دائمی الزامی است. کمیسیون‌های خاص نظیر کمیسیون تحقیق که به بررسی اعتبارنامه نمایندگان که توسط شعب تأیید نمی‌شود می‌پردازد و یا کمیسیون آیین‌نامه داخلی مجلس که به بررسی و تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس مشغول است و همچنین کمیسیون اصل ۹۰ که مطابق اصل ۹۰ قانون اساسی به رسیدگی به شکایات مردم از سه قوه می‌پردازد.

کمیسیون‌های دائم یا تخصصی نظیر کمیسیون‌های اقتصادی، انرژی، صنایع، اجتماعی و غیره که کار تخصصی بررسی، اصلاح و تکمیل لوایح و طرح‌های قانونی را برعهده دارند.

کمیسیون موقت یا مشترک یا ویژه برای بررسی مسائل خاص و استثنایی تشکیل می‌گردند؛ البته تشکیل کمیسیون ویژه باید به پیشنهاد ۱۵ نماینده و تصویب اکثریت نسبی نمایندگان مجلس برسد.



مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس‌جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد (اصل ۶۹ قانون اساسی). به محض تقاضای تشکیل جلسه غیرعلنی، جلسه به حالت غیرعلنی درمی‌آید، ادامه‌ی جلسه غیرعلنی موکول به تصویب $\frac{2}{3}$ نمایندگان است.

رئیس مجلس می‌تواند گزارش مطالب و حوادث روز را قبل از ورود در دستور به اطلاع نمایندگان برساند. هر نماینده نیز چنانچه مطلب مهمی برای بیان و سخنرانی داشته باشد، می‌تواند تا یک ساعت قبل از شروع جلسه رسمی آن را به اطلاع اکثریت نمایندگان برساند که «نطق قبل از دستور نمایندگان» نامیده می‌شود.

دستور جلسات مجلس هفتگی است، مگر در مواردی که به تشخیص هیئت رئیسه ۲۴ ساعته گردد. مجلس برای انجام وظایف قانونی خود با تشکیل جلسه وارد دستور می‌شود. حق تقدم صحبت کردن برای نمایندگانی است که زودتر ثبت نام نمایند، البته چنانچه به یکی از نمایندگان توهینی شود، او بدون رعایت نوبت حق دفاع دارد. رئیس مجلس، هنگامی که نماینده‌ای از موضوع دستور کار مجلس و مورد بحث خارج شود، تذکر می‌دهد و همچنین، بعد از ارائه‌ی مباحث نمایندگان، در صورت لزوم دستور کفایت مذاکرات صادر می‌کند (به جز مذاکرات مربوط به استيضاح و لایحه‌ی بودجه).

رأی‌گیری در مجلس با قیام و قعود یا از طریق دستگاه الکترونیکی شمارش می‌شود، اما در صورت تقاضای ۱۰ نفر از نمایندگان، ۳ حالت خاص نیز امکان دارد: ۱- رأی علنی با ورقه: این نوع رأی‌گیری در مورد اشخاص با ورقه انجام می‌شود، ۲- رأی علنی با سه کارت سفید (قبول)، کبود (رد) و زرد (امتناع)، ۳- اخذ رأی با مهره سفید (قبول) و سیاه (رد).

الزام قانونی برای مخفی بودن رأی شامل موارد زیر می‌گردد:

۱- رأی نسبت به اعتبارنامه نمایندگان، ۲- انتخاب هیئت رئیسه مجلس، ۳- انتخاب اعضای کمیسیون‌ها و شعب، ۴- انتخاب اعضای حقوقدان شورای نگهبان، ۵- رأی اعتماد و عدم اعتماد به وزراء و رأی عدم کفایت به رئیس‌جمهور.

کلمه مثال ۸: رأی مخفی با ورقه، معمولاً در چه مواردی در مجلس ضرورت می‌یابد؟ (سراسری ۸۰)

- (۱) موضوعات
(۲) تصویب آیین‌نامه داخلی مجلس
(۳) تصویب قانون
(۴) اشخاص (رأی اعتماد و عدم اعتماد و انتخاب افراد)

پاسخ: گزینه «۴» برابر مواد ۱۲۸، ۱۲۹ و ۱۳۰ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، رأی مخفی با ورقه در موارد ذیل الزامی است: (۱) انتخاب اعضای حقوقدان شورای نگهبان، هیئت رئیسه مجلس و نیز سایر انتخابات راجع به اشخاص و رأی اعتماد به دولت، (۲) هنگامی که، حداقل ۲۵ نفر از نمایندگان حاضر در جلسه، اخذ رأی مخفی با ورقه را کتباً تقاضا نمایند، (۳) در مورد انتخابات هیئت رئیسه، کمیسیون‌ها و شعب (۴) در مواردی که، نتیجه‌ی اخذ رأی با قیام و قعود و یا با کلید برقی مورد تردید باشد.

کلمه مثال ۹: در مجلس شورای اسلامی..... (سراسری ۸۷)

- (۱) نمایندگان در داخل مجلس دارای مصونیت پارلمانی هستند و در خارج از آن از مصونیت کیفری برخوردارند.
(۲) اگر نمایندگان تشخیص دهند که اظهارات نماینده‌ای خلاف مصلحت نظام است می‌توانند از وی سلب مصونیت کنند.
(۳) نمایندگان حق دارند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور با استفاده از مصونیت پارلمانی اظهارنظر نمایند.
(۴) نمایندگان در اظهارنظر و رأی خود آزادند و نمی‌توان آن‌ها را از این حیث در دوره نمایندگی مورد مؤاخذه قرار داد.

پاسخ: گزینه «۳» برابر اصل ۸۴ قانون اساسی، «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه‌ی مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید». هم‌چنین وفق اصل ۸۶ از قانون مذکور، «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی، در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آن‌ها را به سبب نظرانی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که، در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد».

کلمه مثال ۱۰: مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، وظیفه رسیدگی به اعتبارنامه‌های نمایندگان، در مرحله نخست برعهده چه مرجعی است؟ (سراسری ۹۲)

- (۱) کمیسیون شعب مجلس شورای اسلامی
(۲) تمامی نمایندگان مجلس شورای اسلامی
(۳) کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی
(۴) هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی

پاسخ: گزینه «۱» مطابق بند ۱ ماده‌ی ۲۷ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی رسیدگی به اعتبارنامه‌ها از شعب شروع می‌شود، البته واژه‌ی کمیسیون شعب با متن قانون مذکور همخوانی ندارد که اشکال سؤال است.

(دکتری ۹۲)

کله مثال ۱۱: حدود مصونیت نمایندگی مجلس در ایران، کدام است؟

- (۱) نماینده در مسائل خارجی حق اظهارنظر دارد که مصونیت آنها مطلق است، اما در اظهارنظر در مسائل داخلی فاقد مصونیت پارلمانی است.
- (۲) نماینده در همه مسائل داخلی و خارجی کشور حق اظهارنظر دارد و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتشان در مجلس، مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.
- (۳) نمایندگان در اظهارنظر و رأی آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب اظهارنظرشان در دوره نمایندگی مورد مؤاخذه قرار داد.
- (۴) نمایندگان در داخل مجلس از مصونیت پارلمانی بهره‌مند می‌باشند و در خارج از مجلس از مصونیت کیفری برخوردارند.

پاسخ: گزینه «۲» به موجب اصل هشتاد و چهارم قانون اساسی: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید». همچنین، مطابق اصل هشتاد و ششم: «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرائی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد».

(سراسری ۹۳)

کله مثال ۱۲: انتخاب نامزدها در انتخابات مجلس شورای اسلامی در مرحله اول با صورت می‌گیرد.

- (۱) اکثریت مطلق $\frac{1}{2}$
- (۲) اکثریت نسبی $\frac{1}{3}$
- (۳) اکثریت خاص $\frac{1}{4}$
- (۴) اکثریت نسبی به هر میزان

پاسخ: گزینه «۳» طبق آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی انتخاب نامزدها در انتخابات مجلس شورای اسلامی در مرحله اول با اکثریت خاص یک چهارم صورت می‌گیرد.

(دکتری ۹۳)

کله مثال ۱۳: کدام گزینه در مورد جایگاه نماینده مجلس صحیح است؟

- (۱) نماینده در برابر تمام مردم مسئول است.
- (۲) نمایندگان فقط در مقام ایفاء وظایف نمایندگی در اظهارنظر آزادند.
- (۳) نماینده می‌تواند در تمام امور داخلی و مسائل مهم و اساسی خارجی اظهارنظر نماید.
- (۴) سمت نمایندگی قائم به شخص است اما در برخی موارد نماینده می‌تواند ایفاء وظایفش را به دیگری تفویض نماید.

پاسخ: گزینه «۳» براساس اصل ۸۴ قانون اساسی: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید».

(دکتری ۹۴)

کله مثال ۱۴: کدام مورد، در خصوص هر یک از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، صحیح است؟

- (۱) حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.
- (۲) حق دارد از رئیس‌جمهور سؤال کند.
- (۳) دارای مصونیت قضایی مطلق است.
- (۴) در برابر تمام ملت مسئول است.

پاسخ: گزینه «۴» طبق اصل ۸۴ قانون اساسی، هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کند.

(دکتری ۹۶)

کله مثال ۱۵: براساس قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، کدام مورد از جمله شرایط رأی‌دهندگان است؟

- (۱) سن ۱۶ سال - تابعیت اصلی
- (۲) سن ۱۶ سال - تابعیت - عاقل بودن
- (۳) سن ۱۸ سال - تابعیت - اهلیت اخلاقی
- (۴) سن ۱۸ سال - تابعیت اصلی و اکتسابی - عاقل بودن

پاسخ: گزینه «۴» براساس ماده ۲۷ اصلاحی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ انتخاب‌کنندگان باید دارای تابعیت جمهوری اسلامی ایران، ۱۸ سال تمام و عاقل باشند.

(دکتری ۹۶)

کله مثال ۱۶: ۹ نفر معتمد محلی برای حضور در هیئت اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی، چگونه انتخاب می‌شوند؟

- (۱) از بین نمایندگان معرفی شده از طرف استاندار و با تأیید فرماندار
- (۲) از بین دو برابر افراد معرفی شده از طرف استاندار و با انتخاب فرماندار
- (۳) از بین ۳۰ نفر دعوت شده توسط فرماندار و با تأیید هیئت نظارت شورای نگهبان
- (۴) از بین نمایندگان معرفی شده از طرف رئیس دادگستری، اداره ثبت احوال، اداره کل اطلاعات و امام جمعه شهرستان



مدرسان شریف

فصل نهم

«قوه مجریه»

مقدمه

نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، یک نظام نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی محسوب می‌شود. قوه مجریه ایران، نیز، نظامی دورکنی شامل ارکان رهبری و ریاست جمهوری است. در فصل رهبری، به بررسی رکن رهبری نظام پرداخته شد. در این فصل به بررسی رکن ریاست جمهوری و نهادهای ناشی از کارویژه‌های قوه مجریه می‌پردازیم. پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که به طور مستقیم به رهبری مربوط می‌شود، برعهده دارد (اصل ۱۱۳ قانون اساسی).

درسنامه (۱): مسئولیت اجرای قانون اساسی



بیان مقررات مربوط به مسئولیت اجرای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور به شرح زیر، به فهم مطلب کمک می‌کند. به منظور پاسداری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسئول اجرای قانون اساسی است. در صورت نقض و تخلف و عدم اجرای قانون اساسی، رئیس‌جمهور می‌تواند به نحوی که خود مقتضی بداند از طریق اخطار، تعقیب و ارجاع پرونده متخلفین به محاکم قضایی اقدام کند. در صورت مشاهده تخلف از قانون اساسی در دستگاه‌های قدرت عمومی، قانونگذار حق هشدار و اخطار به قوای سه‌گانه را برای رئیس‌جمهور قائل شده است. هرچند این نوع اخطارها، بیشتر واجد ارزش سیاسی و جلب توجه افکار عمومی است. در این ارتباط، رئیس‌جمهور می‌تواند سالی یک بار آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض و تخلف از قانون اساسی را با تصمیمات متخذ تنظیم و به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند. نظارت بر اجرای قانون اساسی توسط رئیس‌جمهور، به وسیله دیوان عالی کشور انجام می‌شود. همچنین مسئولیت دیگری که در رابطه با قانون اساسی در مورد رئیس‌جمهور قابل ذکر است، مسئولیت ایشان در اجرای بازنگری قانون اساسی است. در این راستا بین امور تقنینی (قانونگذاری) و اجرایی بازنگری در قانون اساسی باید تفکیک قائل شد. مطابق اصل ۱۷۷ قانون اساسی، شورای بازنگری، مسئولیت قانونگذاری در بازنگری قانون اساسی را به عهده دارد و رئیس‌جمهور نیز هم ردیف سایر اعضا در امر بازنگری قانون اساسی مشارکت می‌نماید. اما به اجرا درآوردن تمام مراحل بازنگری از تشکیل شورا تا اعلام نتیجه همه‌پرسی، برعهده‌ی رئیس‌جمهور است.

لذا مسئولیت‌های رئیس‌جمهور را در امر بازنگری قانون اساسی به شرح زیر می‌توان جمع‌بندی نمود:

- دعوت اعضا، تشکیل شورا و اعلام مواد پیشنهادی مقام رهبری به عنوان دستور کار شورا؛

- عضویت در شورای بازنگری و شرکت به عنوان یکی از اعضای شورا در امر بازنگری؛ - تقدیم مصوبات شورا به مقام رهبری برای امضاء و تأیید؛

- دستور برگزاری همه‌پرسی به وزیر کشور پس از تأیید مصوبات شورا؛ - امضای نتیجه همه‌پرسی و ابلاغ آن برای اطلاع عموم و اجرا.

کج مثال ۱: آیا رئیس‌جمهور در اعمال اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر اجرای قانون اساسی در قوه قضائیه نظارت نماید؟ (دکتری ۹۲)

- ۱) مسئولیت رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۳ شامل نظارت بر اجرای قانون اساسی نیست، ولی قوه قضائیه را در برمی‌گیرد.
- ۲) مسئولیت رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۳ شامل نظارت بر اجرای قانون اساسی است، ولی قوه قضائیه را در بر نمی‌گیرد.
- ۳) مسئولیت رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۳ شامل نظارت بر اجرای قانون اساسی است و قوه قضائیه را هم در برمی‌گیرد.
- ۴) مسئولیت رئیس‌جمهور در اصل ۱۱۳ شامل نظارت بر اجرای قانون اساسی نیست و قوه قضائیه را در بر نمی‌گیرد.

پاسخ: گزینه «۳» مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی: «پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد». به موجب نظریه تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل ۱۱۳ قانون اساسی (شماره ۸۲۵۵/ش مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۲): «رئیس‌جمهور با توجه به اصل ۱۱۳ حق اخطار و تذکر را دارد و منافات با بند ۳ اصل ۱۵۶ ندارد». بند ۳ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یک یک از وظایف قوه قضائیه را نظارت بر حسن اجرای قوانین عنوان کرده است.

کج مثال ۲: مطابق تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور می‌تواند نسبت به اجرای قانون اساسی

در اقدام کند. (سراسری ۹۳)

- ۱) قوه مقننه ۲) قوه مجریه ۳) قوه قضائیه ۴) همه قوا

پاسخ: گزینه «۲» مطابق تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور می‌تواند نسبت به اجرای قانون اساسی

تنها در قوه مجریه اقدام نماید.



درسنامه (۲): موقعیت رئیس جمهور

باید توجه نمود که رئیس جمهور، پس از مقام رهبری عالی ترین مقام رسمی داخلی است و در سطح بین المللی، عالی ترین مقام کشور محسوب می گردد. اما بنابر اصل برابری حقوق ملت، این امر مانع از مسئولیت کیفری رئیس جمهور، در مورد جرایم عادی نمی شود. لذا رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی، با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه های عمومی دادگستری انجام می شود (اصل ۱۴۰ قانون اساسی). همچنین در اصل ۱۴۲ قانون اساسی مقرر گردیده که دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد، (اصل ۱۴۲ قانون اساسی) که بیانگر مسئولیت مالی رئیس جمهور است. همچنین به لحاظ مسئولیت سیاسی، رئیس جمهور در برابر مجلس، ملت و رهبر مسئولیت دارد، که مشتمل بر این است که ایشان مسئول اقدامات هیئت وزیران است و مجلس می تواند این مقام را استیضاح نماید.

از منظر مسئولیت قانونی نیز، تخلف از وظایف قانونی موجبات محاکمه رئیس جمهور در دیوان عالی کشور را ایجاد می کند.

همکاران خاص رئیس جمهور که در ایفای وظایف ایشان کمک می نمایند، عبارتند از:

معاون اول: تعیین معاون اول الزامی نیست، اما در صورت انتخاب، اداره هیئت وزیران (نه ریاست آن) و هماهنگی بین سایر معاونان و قائم مقامی رئیس جمهور را به عهده دارد.

نمایندگان ویژه رئیس جمهور: رئیس جمهور نمی تواند مستقلاً نماینده ویژه انتخاب کند، اما رئیس جمهور بر حسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران در موارد خاص نماینده ویژه منصوب می کند، که تصمیمات این نمایندگان ویژه در حکم تصمیمات رئیس جمهور و دولت خواهد بود.

کلمه مثال ۳: کدام یک از مناصب در ایران متعلق به رئیس جمهوری نیست؟

(سراسری ۸۴)

- (۱) عالی ترین مقام سیاسی
(۲) عالی ترین مقام بین المللی
(۳) ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی
(۴) ریاست شورای عالی امنیت ملی

پاسخ: گزینه «۱» مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی، «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است»، هم چنین وفق اصل ۵۷ قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوهی مقننه، قوهی مجریه و قوهی قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند».



کلمه مثال ۴: معاونین رئیس جمهور در مقابل چه کسی مسئولیت سیاسی دارند؟

(سراسری ۸۶)

- (۱) هیئت وزیران
(۲) مجلس شورای اسلامی
(۳) رئیس جمهور و معاون اول
(۴) مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهور

پاسخ: گزینه «۳» مطابق اصل ۱۲۴ قانون اساسی، «رئیس جمهور می تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی، اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت ها را به عهده خواهد داشت». در تعیین معاونان دست رئیس جمهور باز است و نیازی به تأیید مجلس شورای اسلامی ندارد. مطابق قسمت اخیر اصل ۱۲۴ که، اشعار می دارد معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و ... را برعهده خواهد داشت. معاونان رئیس جمهور علاوه بر اینکه در مقابل وی مسئولیت سیاسی دارند در برابر معاون رئیس جمهور نیز مسئولیت دارند.



کلمه مثال ۵: قوه مجریه جز در مواردی که مستقیماً برعهده رهبری گذارده می شود، از چه طریق اعمال می گردد:

(سراسری ۹۱)

- (۱) هیئت وزیران
(۲) رئیس جمهور
(۳) رئیس جمهور و وزراء
(۴) هر یک از مقامات اجرایی کشور حسب مورد

پاسخ: گزینه «۳» به موجب اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود را برعهده دارد و جمع این اصل با اصل ۶۰ قانون اساسی که مقرر می دارد اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً برعهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است، ما را به گزینه ی (۳) می رساند.



مدرسای شریف

فصل دهم

«قوه قضائیه»

درسنامه (۱): کلیات قوه قضائیه



قوه قضائیه، قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می‌کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.
- ۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (اصل ۱۵۶ قانون اساسی).

باید توجه نمود که حق سؤال و استیضاحی نسبت به این قوه وجود ندارد و امور اداری و استخدامی این قوه مستقل است و پرونده‌های قضایی نیز داخل خود قوه رسیدگی می‌شود (از جمله دلالت‌های استقلال قوه قضائیه).

آثار اقدامات قوه قضائیه در جامعه، عبارتند از:

- ۱- تأمین رضایت‌خاطر جامعه
- ۲- تضمین امنیت و آزادی افراد
- ۳- مرعوب گرداندن متمرذین و قانون‌شکنان
- ۴- بازیابی قدرت معنوی افراد با ملاحظه‌ی عبرت‌آموز احکام قضایی.

کج مثال ۱: کدام یک از اصول قضایی به استقلال قوه قضائیه کمک می‌کند؟

(۱) اصل برائت (۲) اصل تناظر (۳) اصل قطعیت احکام (۴) اعتبار قضیه محکوم‌به (سراسری ۸۹)

پاسخ: گزینه «۴» مطابق اصل ۶۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «اعمال قوه‌ی قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.» اقتضای استقلال قوه‌ی قضائیه در آن است که انجام وظایف قضایی در رسیدگی و صدور حکم و حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، در انحصار این قوه باشد.

کج مثال ۲: امنیت و عدالت قضایی بر چه مبنایی استوار است؟

(۱) حق تفسیر قضایی دادرسان
(۲) اصل استقلال قاضی و اصل برائت
(۳) مسئولیت مدنی قاضی در جبران خسارت مادی و معنوی
(۴) تغییر محل خدمت قضات بنا به مصلحت جامعه (سراسری ۹۲)

پاسخ: گزینه «۲» بنابر اصل ۳۷ قانون اساسی که مقرر می‌دارد اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد و جمع آن با اصل ۱۶۴ قانون اساسی و اصول استقلال و مصونیت قضات که ضامن دادرسی عادلانه و منصفانه و امنیت و عدالت قضایی در برابر اعمال نفوذ صاحبان اقتدار است.

کج مثال ۳: طبق قانون اساسی ایران، اعمال قوه قضائیه از چه طریق می‌باشد؟

(۱) رئیس قوه قضائیه (۲) قضات بر مسئولیت قاضی است (۳) دادگاه‌های دادگستری (۴) دیوان عالی کشور (دکتری ۹۳)

پاسخ: گزینه «۳» اعمال قوه قضائیه از طریق دادگاه‌های دادگستری می‌باشد. به موجب اصل ۱۵۹ قانون اساسی: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است.»

کج مثال ۴: در قانون اساسی، تأکید بر قوه قضائیه مستقل، در واقع، ناظر به کدام مورد است؟

(۱) احترام به آزادی فردی را تضمین می‌کند.
(۲) تأکید بر مسئولیت قاضی است.
(۳) دلیل بر سلسله‌مراتب قوا است.
(۴) حاکی از برتری قوه قضائیه بر قوای دیگر است. (دکتری ۹۴)

پاسخ: گزینه «۱» در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «قوه قضائیه، قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤل تحقق بخشیدن به عدالت است.» اصل مزبور با توجه به مصادیقی که در آن ذکر شده، ناظر بر تضمین حقوق و آزادی‌های شهروندان است.

درسنامه (۲): رئیس قوه قضائیه



به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه، در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال، به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است (اصل ۱۵۷ قانون اساسی). البته منظور از «عالی‌ترین مقام قوه قضائیه»، عالی‌ترین مقام قضایی نیست، زیرا هیچ‌یک از وظایف وی، ماهیت قضایی ندارد و این سمت متعلق به رئیس دیوان عالی کشور است. لذا عالی‌ترین مقام اداری قوه قضائیه می‌باشد.

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم، تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری، طبق قانون (اصل ۱۵۸ قانون اساسی).

حق نصب و عزل و قبول استعفاى رئیس قوه قضائیه با رهبر است.

مثال ۵: ابتکار عمل تدوین لوایح قضایی در ایران برعهده است. (سراسری ۸۴)

(۲) رئیس قوه قضائیه

(۱) وزیر دادگستری

(۴) قوه قضائیه و کمیسیون حقوقی مجلس

(۳) هیئت وزیران و دادگستری

پاسخ: گزینه «۲» مطابق بند (۲) اصل ۱۵۸ قانون اساسی، تهیه‌ی لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران از وظایف رئیس قوه قضائیه قلمداد گردیده است.

(سراسری ۸۵)

مثال ۶: کدام مورد زیر در صلاحیت رئیس قوه قضائیه است؟

(۱) او در مقام ریاست و نظارت فائده بر قوه قضائیه، حق دارد رأساً قضات مختلف را عزل کند.

(۲) ایجاد تشکیلات لازم قضایی و استخدام، نصب و عزل قضات را طبق قانون برعهده دارد.

(۳) نصب و عزل رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور از اختیارات مطلق اوست.

(۴) هیچ یک از وظایف و اختیارات قانون رئیس قوه قابل واگذاری و تفویض به دیگری نیست.

پاسخ: گزینه «۲» مطابق اصل ۱۵۸ قانون اساسی، وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل ۱۵۶ قانون اساسی.

۲- تهیه‌ی لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند این‌ها از امور اداری، طبق قانون. همچنین اختیارات مطروحه طبق ماده‌ی یک قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۱۲/۸ نیز ذکر شده است.

(سراسری ۹۲)

(۱) قوه قضائیه

(۲) رئیس قوه قضائیه

(۳) مجلس شورای اسلامی

(۴) شورای نگهبان

پاسخ: گزینه «۲» مطابق اصل ۱۴۲ قانون اساسی رسیدگی مذکور توسط رئیس قوه‌ی قضائیه انجام می‌شود که بیانگر مسئولیت مالی رئیس‌جمهور است.

(دکتری ۹۴)

مثال ۸: از آیین‌نامه‌های مصوب رئیس قوه قضائیه به کدام نهاد می‌توان شکایت کرد؟

(۲) در قوانین، مرجع خاصی تعیین نشده است.

(۱) محاکم دادگستری استان

(۴) دیوان عدالت اداری

(۳) دیوان عالی کشور

پاسخ: گزینه «۳» از آیین‌نامه‌های مصوب قوه قضائیه می‌توان به دیوان عالی کشور شکایت کرد.